

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۷

جمعه ۱۰ تیر ۱۴۰۱ - ۱ جولای ۲۰۲۲

### انقلاب زنانه

کاظم نیکخواه

منصور حکمت زمانی گفت انقلابی که در ایران میشود، میتواند خیلی زنانه باشد. متأسفانه بیماری به او فرصت نداد که انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را شاهد باشد. اما اوضاع جامعه ایران نشان میدهد که او در مورد انقلاب و رنگ زنانه انقلاب نیز کاملاً حق داشت. جنبش‌هایی زن از شر اسلام و حجاب و حکومت اسلامی فشار سنگینی بر کرده جمهوری اسلامی گذاشته و تا همینجا عملاً عقب نشینی‌هایی را به حکومت تحمیل کرده است. زنان و دختران حجاب را دور می‌اندازند. به قوانین ضد زن اعتراض میکنند. عمامه‌ها را زیر پا له میکنند. و خشم و نفرت عمیقشان از این حکومت ضد زن را به اشکال مختلف بروز میدهند. در این مبارزه زنان بهای سنگینی پرداخته‌اند اما عقب‌نشسته‌اند و میخواهند در کنار کارگران و مردم به جان آمده‌ی جمهوری اسلامی سرمایه‌داران را کم کنند.

این روزها عبارت انقلاب زنان یا انقلاب زنانه بار دیگر به متن خبرهای سیاسی وارد شده است. چرا که بر متن فضای ضد حکومت اسلامی در میان زنان،

یک هنر پیشه شناخته شده از انقلاب زنان سخن گفته است. زر امیرابراهیمی بازیگر فیلم «عنکبوت مقدس» که جایزه بهترین بازیگر را در جشنواره کن بدست آورده روز ۵ تیر در گفتگو با خبرگزاری فرانسه گفت: «اگر بار دیگر انقلابی در ایران رخ دهد این بار انقلاب زنان یا انقلاب زنانه خواهد بود. انقلاب بعدی ایران را زنانی رقم خواهند زد که آزادی‌شان از آنان سلب شده است». او هنگام گرفتن جایزه چنین گفت: «میخواستند مرا بعنوان یک زن از همه جا حذف کنند، از بین ببرند. از سینما کنار بزنند. میخواستند من در هیچ کجا دیده نشوم، تا شاید خودکشی کنم و بمیرم. اما من اکنون اینجا هستم با این جایزه. این مربوط به قدرت ماست. نه فقط قدرت زنان بلکه قدرت انسان». او در گفتگو با خبرگزاری فرانسه گفت: «جامعه ایران آماده انفجار است (و) تغییر باید اتفاق بیفتد»، و ادامه داد: «زنان می‌جنگند تا حقوق اندکی را که در این جامعه دارند حفظ کنند. آنها آستین‌ها را بالا زده‌اند و لباس‌های متفاوتی می‌پوشند. بیرون می‌روند و آواز می‌خوانند و گروه‌های رقص مخفی تشکیل داده در صفحه ۶



منصور حکمت و  
کمونیسم سیاسی  
حمید نقوایی

صفحه ۳



صفحه ۱۱

جهت اطلاع؛ انترناسیونال ویژه پلنوم ۵۵ بزودی منتشر میشود

احزاب سیاسی باید متحد شوند"

کاظم نیکخواه  
صفحه ۶

کلید حل بحران حکومتی در عراق در دست مردم است

عبدل گلپریان  
صفحه ۷

حرکت جامعه بسوی اعتصاب عمومی

شهلا دانشفر  
صفحه ۲

رهبر در مانده و سلام به پایان

هادی وقفی  
صفحه ۱۰

اطلاعیه‌های حزب کمونیست کارگری ایران

صفحات. ۱۳ و ۱۴

رنگین کمانی‌های نروژ قربانی تروریسم اسلامی شدند

کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری ایران  
صفحات. ۱۴



سراسری معلمان و کارگران و بازنشستگان و دانشجویان و زنان تحت ستم میتوان به وضوح مشاهده کرد. این حرکت را باید همه جا هرچه بیشتر تقویت کرد و فعالانه در موفقیت و پیشروی آن نقش ایفا کرد. اتحاد جامعه حول چنین تحولی خود بخود احزاب سیاسی ای را که در این راستا تلاش میکنند به هم نزدیک خواهد کرد و آنها را متحد خواهد نمود، و بر جریاناتی که علیه این روند هستند فشار میگذارد تا یا خود را تصحیح کنند یا تحولات اجتماعی آنها را مزوی و مطرود خواهد کرد. آنچه بیش از هر زمان امروز در چشم انداز جامعه قرار دارد یک انقلاب مردمی و انسانی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است و قطعا بخشهای مختلف مردم بسته به توان و امکانات خود در چنین انقلابی نقش و سهم خود را ایفا خواهند کرد.

نکات دیگری هم در بحث با این دوست عزیز مطرح شد که امیدوارم در نوشته های دیگر بازتاب دهم.

### از پادکست کاظم نیکخواه



تلاش همه ما باید این باشد که مردم هرچه وسیعتری پشت یک حزب یا احزاب انسان دوست، برابری طلب، ضد استثمار و ستمگری طبقاتی، مدافع رفاه برای تک تک انسانها، علیه تبعیضات جنسیتی و قومی و مذهبی و ملی، علیه اعدام و زندان و دیکتاتوری، و مدافع آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و آزادی همه احزاب، جمع و متحد شوند. وقتی از این عینک با دقت در عملکرد احزاب دقیق شوید متوجه میشوید که تعداد زیادی از این سازمانها و احزاب مردود میشوند. جریاناتی که از سلطنت، از ناسیونالیسم و قوم پرستی و از مذهب و اسلام و سرمایه داری به هر شکلی دفاع میکنند نمیتوانند مدافع رفاه و آزادی همه جانبه مردم باشند. نمیتوانند مدافع رفع تبعیضات علیه همه مردم باشند. نمیتوانند مدافع حقوق بگیران نجومی نباشند.

خوشبختانه آنچه امروز در جامعه شاهدیم اینست که جامعه با گامهای آرام و سنجیده به سمت یک تحول عمیق و انسانی به پیش میرود و تلاش میکند یک تحول انسانی و عمیق و منحصر بفرد و نمونه وار را در برابر حکومت جهنمی و متحجر و چپاولگر و مافیایی اسلامی رقم بزند. این واقعیت را در مضمون و شعارها و بیانیه های

دیگر و تفرقه و قومگرایی و فاشیسم ایرانی را بر جامعه حاکم کنند، طبعاً سر سوزنی به این خواستهای انسانی و رفاهی مردم ربطی ندارند. از اتحاد این نوع جریانات اگر بفرص صرفا شعار و روی کاغذ نباشد و واقعی باشد باید برعکس نگران بود نه خوشحال.

از اینجا به نکته مهم بعدی میرسیم که احزاب سیاسی مختلف در همه جای دنیا سیاستها و برنامه های بسیار متفاوت و حتی متضادی را دنبال میکنند. در نتیجه عملاً این احزاب قابل جمع شدن و یکی شدن نیستند. در ایران بخشی از احزاب میخواهند اسلام و مذهب را در سیاست نگاه دارند. مجاهد و سلطنت طلبان از این دستند. یکی شعارش جمهوری دموکراتیک اسلامی بوده است و رهبرش چادر و چاقچور از سرش نمی افتد و میخواهد از طریق بند و بست با مرتجعترین سیاستمداران دنیا به قدرت پرتاب شود. و دیگری مثل سلطنت طلبان در زمان پهلوی ها مذهب رسمی و آخوند درباری داشته اند و اکنون نیز میخواهند به کمک بخشی از آخوندها و دولتهای ارتجاعی سر کار بیایند. بعلاوه مردم از مافیای سرمایه داری و چپاول و دزدی و فساد و تبعیضات جان به لبشان رسیده است. آیا همچنان باید از این احزابی که از سرمایه داری و ریاضت اقتصادی و سیستم سرکوب و دیکتاتوری به صرف اینکه آخوند در راس آن نباشد، دفاع کنند؟ روشن است که جواب مردم باید یک نه قاطع به این احزاب و سیاستها باشد. نفرت از حکومت اسلامی نباید باعث شود به احزابی اتکا کنیم یا امید ببندیم که از نظر دیدگاه فکری و سیاسی و اقتصادی، فاصله چندانی با این حکومت ندارند.

اگر سازمانها و احزاب وزن سیاسی جدی در جامعه نداشته باشند، طبعاً اتحادشان به معنای اتحاد مردم نیست و اهمیت و معنای عملی زیادی نخواهد داشت. کما اینکه بارها و بارها شمار قابل توجهی جریانات و سازمانها و احزاب با هم متحد شده اند و اتفاق قابل توجهی در جامعه نیفتاده است. همین اکنون ۱۲ سازمان و حزب سلطنت طلب و راست اعلام متحد شدن کرده اند. چه تغییری در توازن قوا علیه حکومت صورت گرفته است که با پیوستن حزب سیزدهم تقویت خواهد شد؟ قبلاً هم شاهد کنار هم قرار گرفتن و بدرجه ای متحد شدن احزاب راست و یا چپ بوده ایم و تغییری در توازن قوای اجتماعی نیفتاده است.

تلاش ما اینست که مردم پشت سیاستهای انسانی متحد شوند که بطور واقعی نتیجه اش آزادی و برابری و رفاه و امنیت و آسایش برای همه مردم باشد. و بدرجه زیادی در این زمینه موفق بوده ایم. مردم تا حد زیادی پشت خواستهای پیشروی متحد هستند. و این نقطه امید بخشی در شرایط سیاسی کنونی جامعه است. خیلی از سیاستهایی که ما عمیقاً از آن دفاع میکنیم و در برنامه مان هست را امروز مردم در خیابانها فریاد میزنند. مثل منزلت، رفاه برای همه، آزادی زندانیان سیاسی، علیه آخوند و یکه تازی اسلام و مذهب، علیه اعدام، علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی و مافیای سرمایه داری و غیره. باید بدنبال حزب و سازمانی بود که این خواستهای عمیق اجتماعی را در عمل و در سیاستها و برنامه اش بطور جدی دنبال میکند. احزابی که میخواهند از بالای سر مردم سرمایه داری و ریاضت اقتصادی و دیکتاتوری از نوع

## "احزاب سیاسی باید متحد شوند" کاظم نیکخواه

با دوست عزیز از خوزستان صحبت میکردیم. او سالها در زندانهای حکومت بوده و بسیار و بسیار از این حکومت آزار و شکنجه دیده است. او میگوید من عرب هستم. من با شمار زیادی از مردم در تماس هستم. ما مسلحیم. ما تحمل حکومت را دیگر نداریم. منتظریم دست به اسلحه ببریم اما مساله رهبری مهم است. من حزب کمونیست کارگری و حرفهای شما را قبول دارم. اما شما بتهنهای نمیتوانید انقلاب کنید و کشور را از دست این جماعت آزاد کنید. احزاب سیاسی همه باید با هم متحد شوند.

من شفاهی توضیحاتی به این دوست گرامی دادم و او تا حد زیادی قانع شد و قرار شد بیشتر صحبت کنیم و نشریات حزب را بخواند و به دست دوستانش برساند. اینجا میخواهم مختصراً و تیتروار نکاتی را که در این مورد با دوستان در میان گذاشتم بازگو کنم.

اولین نکته اینست که ما به تهنهای نمیخواهیم انقلاب کنیم. ما میخواهیم مردم انقلاب کنند و انقلابشان اهداف روشن و انسانی داشته باشد. گفتمان اتحاد در میان مردم کاملاً قابل فهم و ارزشمند است. اما این اتحاد مردم است که برای سرنگونی حکومت اسلامی حیاتی و مهم است. به صرف اتحاد و ائتلاف سازمانها و احزاب، حکومت سرنگون نشده و نمیشود. لازمه سرنگونی حکومت اینست که بخش قابل توجهی از مردم پشت سیاستهای یا پشت حزب و سازمان و رهبرانی متحد شوند.

**توضیح:** از درگذشت منصور حکمت بیست سال میگذرد ولی کمونیسمی که او پرچمش را برافراشت همچنان زنده و پویانده است. بویژه شرایط سیاسی پر جنب و جوش امروز ایران بیش از پیش صحت و حقانیت کمونیسم رادیکال، پویا و سیاسی منصور حکمت را به همگان نشان میدهد و بمیدان فرامیخواند.

**مقاله زیر که در سال ۲۰۲۰ نوشته شده به توضیح تفاوت کمونیسم سیاسی منصور حکمت از کمونیسمهای فرقه ای و ایدئولوژیک میپردازد. این یک وجه تمایز حزب منصور حکمت از کمونیسمهای غیر سیاسی است. تاکید بر خصلت سیاسی کمونیسم بخصوص در شرایطی که جامعه ایران در آستانه یک انقلاب زیر و روکننده قرار گرفته، ضرورتی دو چندان می یابد. از این رو انتشار مجدد این نوشته را مفید یافتیم.**

انترناسیونال

## منصور حکمت و کمونیسم سیاسی حمید تقوایی

۱۰ ژوئیه ۲۰۲۰

(این نوشته بر مبنای سمیناری تحت همین عنوان تدوین شده است. بخشهایی خلاصه شده اند و پاراگرافهایی اضافه شده است.)

مناسبت این سمینار هجدهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت است. هجده سال است که او را از دست داده ایم و هر سال در سالگرد درگذشتش او را بزرگ میداریم و درباره نقش برجسته اش در جنبش کمونیستی و نظرات و دستاوردهایش صحبت میکنیم. در این سمینار قصد من توضیح خصلت سیاسی کمونیسم

منصور حکمت است.

ممکن است در نگاه اول سیاسی بودن کمونیسم بدیهی به نظر برسد. واضح است که کمونیسم مستقیماً به سیاست مربوط است و خصلتی سیاسی دارد ولی همانطور که کمونیسم کارگری هم یک بدیهیت است و با این حال صفت کارگری لازمست تا کمونیسم واقعی را از انواع کمونیسمهای بورژوائی جدا کند، کمونیسم سیاسی هم در تمایز از کمونیسمهای مطرح میشود که ایدئولوژیک و فرقه ای و مکتبی اند. البته اگر نظرات و خط و سیاستی که مارکس مطرح کرد و در مانیفست کمونیست بیان شده و احزابی مثل بلشویکها در روسیه نمایندگی میکردند ادامه می یافت نه به صفت کارگری و نه به صفت سیاسی نیازی نبود. ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد. نیروهای ناسیونالیستی استقلال طلب و صنعتی گرا در کشورهای تحت سلطه خود را کمونیست نامیدند و در روسیه و کشورهای اروپای شرقی نیز تحت نام کمونیسم نوعی نظام سرمایه داری دولتی شکل گرفت که شکست خورد و فروپاشید و نیروهائی که به این کمپ متعلق بودند هم دوره شان پایان رسید. در این شرایط کاملاً ضروری بود که شخصی مثل منصور حکمت پرچم کمونیسم کارگری را در تمایز از کمونیسم روسی و چینی و غیره بلند کند و حقانیت و مطلوبیت کمونیسم و رابطه آن با خواست و آرمانهای انسانی و زندگی و مبارزات روزمره توده کارگر و توده مردم را نشان بدهد. در نزدیک به دو دهه ای که از مرگ منصور حکمت میگذرد تحولات زیادی رخ داده که حقانیت و ضرورت و مطلوبیت کمونیسمی که او معرفی میکرد را بوضوح نشان داده است. ضرورت و مطلوبیت کمونیسم مارکسی، کمونیسم مانیفست،

کمونیسمی که از ابتدا قرار بود کارگری باشد و سیاسی باشد. وقتی از "کمونیسم سیاسی" صحبت میکنیم نکته اول اینست که در تمایز از چه نوع کمونیسمی صفت سیاسی را بکار میبریم؟ کمونیسم کارگری در تمایز از کمونیسمهایی بود که به طبقه کارگر متعلق نبودند، غیرکارگری بودند، کمونیسم نوع چینی، نوع روسی، کمونیسم چریکی و غیره. کمونیسم سیاسی در تمایز از کمونیسمهای فرقه ای، ایدئولوژیک و مکتبی، کمونیسمهای مبتنی بر صرفاً عقیده و موضعگیری و مرزبندی تعریف میشود. این نوع کمونیسمهای غیرسیاسی هم جزئی از جنبشها و شاخه های مختلف کمونیسم غیر کارگری هستند و در جنبش ناسیونالیستی چپ ریشه دارند ولی در این بحث من وارد این جنبه نمیشوم و سعی میکنم غیر سیاسی بودن فرقه های ایدئولوژیک را با نشان دادن و بی ربط بودن آنان به مبارزه طبقاتی در عرصه های مختلف باز کنم و توضیح بدهم.

منصور حکمت اولین بار در سال ۹۹ در نوشته ای تحت عنوان "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" نقد خود را از کمونیسمهای فرقه ای-ایدئولوژیک مطرح میکند. منظور او از گروه فشار "فرقه های عقیدتی" و "محافل فکری" هستند که قدرت سیاسی و "تاثیر گذاری بر معادلات قدرت" در یک جامعه بر نظر و عملشان حاکم نیست. غیر اجتماعی و بی ربطی به تحولات سیاسی زنده در جامعه نیز یک خصوصیتدیگر چنین نیروها نی است. این ویژگی را نیز منصور حکمت با استعاره " کاهنان سرخپوش معبد تاریخ" بیان و نقد میکند.

منظور از کمونیسم غیرسیاسی چنین فرقه ها و محافلی هستند. کمونیسم کارگری، کمونیسم منصور حکمت، اساساً در تمایز از شاخه های مختلف کمونیسم بورژوائی و در نقد عمیق آنها خود را تعریف میکند و کمونیسم عقیدتی- مکتبی خود شکل معین و متأسفانه رایجی از کمونیسم غیرکارگری در زمانه ما است. شاخه های سیاسی و اجتماعی کمونیسم بورژوائی نیز وجود دارند ( کمونیسم چینی و روسی دو نمونه بارز کمونیسمهای غیر کارگری اما سیاسی و اجتماعی هستند). عبارت دیگر هر نیروی کمونیسم بورژوائی لزوماً غیر سیاسی و مکتبی نیست ولی هر کمونیسم مکتبی ای قطعاً به کمپ کمونیسم بورژوائی متعلق است.

### درک متفاوتی کمونیسم مکتبی از مبارزه طبقاتی

اولین وجه تمایز کمونیسم سیاسی و غیرسیاسی درک و تلقی و تبیین آنها از یک پدیده و مقلوبه پایه ای یعنی از مبارزه طبقاتی است. کمونیسم سیاسی از نظر متدولوژیک و در نحوه ای که مبارزه طبقاتی را می بیند و تبیین میکند و بر آن مبنا مبارزه و فعالیت میکند کاملاً از کمونیسم غیر سیاسی و مکتبی که او هم معتقد است طبقه کارگر را نمایندگی میکند متمایز است. یک خصیصه کمونیسمهای مکتبی اینست که بقول منصور حکمت "دوز بالائی" از آگاهی و وقوف به طبقاتی بودن مبارزه را وارد مبارزه طبقاتی میکنند. گویا طبقات و بطریق اولی فعالین و اکتیویستها و توده مردمی که در مبارزه درگیرند میدانند که مشغول مبارزه طبقاتی هستند. بر این امر آگاهند که دارند با طبقه مخالف خود میجنگند. و بدون این آگاهی و وقوف مبارزه

کنندگان، مبارزه طبقاتی نخواهد بود. با این درک، مارکسیسم بعنوان علم رهایی طبقه کارگر و نظریه ای که مبارزه طبقاتی را تبیین کرده و نشان داده تاریخ جوامع بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است و غیره تبدیل میشود به پیش شرط مبارزه طبقاتی! به نحوی که گویا قبل از اینکه مارکس از مبارزه طبقاتی صحبت کند در تاریخ چنین مبارزه ای وجود نداشته است!

این متفاوتیسی است که گمان میکند یک پدیده با آگاهی بر آن موجودیت پیدا میکند. اگر شما مواضع کمونیسمهای غیر سیاسی را در برخورد به اوج مبارزه طبقاتی یعنی به انقلاب بررسی کنید میبینید انقلاب تبدیل میشود به مبارزه بین چپها و غیر چپها، بین کمونیستها و غیر کمونیستها، یا بین پیروان مارکس و مخالفین مارکس. گویا اولاً قبل از مارکس انقلابی وجود نداشته است و ثانیاً بعد از مارکس هم تنها تحولی شایسته نام انقلاب است که رهبرش مارکسیستها باشند. گویا مارکس گفته است انقلاب پدیده ای است تحت رهبری پیروان من! و اگر چنین نباشد تحول هر اندازه هم که زیر و رو کننده باشد انقلاب نیست.

انقلاب خود یک نقطه اوج و یا بروز خیلی آشکار مبارزه طبقاتی است. و کسی که با درک ذهنی از مبارزه طبقاتی آگاهی را به پیش شرط تبدیل میکند، در برخورد به انقلابات به پاسیویسم کامل مبتلی میشود. یک پدیده عینی را چون با ذهنیاتشان منطبق نیست و با معیارهای ذهنیشان خوانائی ندارد رد میکنند و نمیپذیرند و در نتیجه نقش و وظیفه ای نیز برای خود قائل نیستند. در برخورد کمونیسم غیر سیاسی به عرصه های دیگر مبارزه هم این ادامه در صفحه ۴

متافیزیس حاکم است. یک نتیجه دیگر این نوع نگرش، محدود کردن مبارزه طبقاتی به صرفا مبارزه کارگران است. مبارزه طبقاتی محدود میشود به مبارزه کارگران برای مطالبات صنفی شان و یا حداکثر علیه دولت و کارفرمایان برای احقاق خواسته‌هایشان. در این دیدگاه مثلا مبارزه علیه مذهب و یا مبارزه زنان علیه تبعض جنسیتی امری طبقاتی نیست. گویا سلطه مذهب بر دولت و جامعه و یا ستمکشی زن به طبقات و به سلطه یک طبقه بر طبقه دیگر مربوط نیست. شکل فرموله شده و تئوریزه شده این تفکر تقسیم‌بندی مسائل و عرصه‌ها و مبارزات به دموکراتیک و سوسیالیستی است و آن مبارزاتی که دموکراتیک ارزیابی میشوند طبقاتی نیستند و یا اگر باشند اصلاح طلبانه و رفرمیستی و حاشیه‌ای اند و حداکثر میشود حمایت مشروط از آنها کرد و یا رگه‌های کمونیستی را در آنها تقویت کرد.

این علی العموم برخورد چپ غیر سیاسی به مبارزات جاری بخشهای مختلف جامعه است. در این دیدگاه کارگر اولاً فقط یک صنف تولید کننده است. گویا کارگر بعنوان زن یا بعنوان مهاجری فرد منسوب به ملیت و مذاهب مختلف و کلا بعنوان شهروند درد و مساله‌ای ندارد و در نتیجه ثانیاً مبارزه و اعتراض هم فقط به کارخانه محدود میشود. وقتی از این زاویه به مبارزات نگاه کنید مبارزه طبقاتی محدود میشود به در صد کوچکی از آن کشمکش عظیم طبقاتی که در جامعه جریان دارد.

بقول منصور حکمت کلمه مبارزه ترجمه خوبی برای لغت struggle که در انگلیسی برای

مبارزه طبقاتی بکار می‌رود نیست. کشمکش یا تخاصم و درگیری طبقاتی ترجمه مناسب تری است. این کشمکش هم در سطح فرهنگ و هنر و ادبیات و در فیلم و تئاتر و موزیک جریان دارد و هم در سیاست و اقتصاد و مسائل اجتماعی. این کشمکش طبقاتی تعطیل ناپذیر است و به آگاهی و وقوف افراد هم هیچ ربطی ندارد.

در برخورد کمونیسم مکتبی به اکتیویستها و فعالین جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه نیز این برخورد ذهنی را میبینید. فعالین درگیر در یک حرکت اعتراضی را نه بر مبنای نقش و جایگاه عملی شان بلکه از نظر تعلق فکری عقیدتی شان می سنجد و قضاوت میکنند و خود آن حرکت نیز بر مبنای نظرات و مواضع اکتیویستهایش ارزیابی میشود. در ذهنیت وارونه کمونیسم مکتبی اینکه یک حرکت و جنبش اعتراضی چه مضمونی دارد و چه خواستها و اهدافی را دنبال میکند کاملاً تحت الشعاع اینکه فعالینش چه عقاید و گرایشاتی دارند قرار میگیرد. کمونیسم غیر سیاسی همانطور که خود را بر مبنای عقاید و مواضع رادیکال و چپ میداند، جنبشها و حرکت‌های اعتراضی را نیز بر مبنای عقاید غیر کمونیستی فعالینش، غیر انقلابی و راست و غیر قابل حمایت ارزیابی میکند. مبنای هردو برخورد ذهنی و مکتبی و بی ربط به واقعیت است. یکی از فاکتورهائی که باعث میشود کمونیسم فرقه‌ای کاملاً پاسیو باشد و صرفاً به مجموعه‌ای از نظرات و مواضع تنزل پیدا کند همین درک اسکولاستیکی و متافیزیکی از مبارزه طبقاتی و از فعالین در عرصه‌های مختلف این مبارزه است.

از نظر ما، از نظر کمونیسم سیاسی، مبارزه طبقاتی یک کشمکش هر روزه است که در تمام سطوح و روندها و تحولات فکری و اجتماعی و سیاسی، حتی در دعوای داخلی حکومتی‌ها و احزاب حکومتی در همه کشورها، میتواند ردپایش را ببینید. این تبیین جامع از مبارزه طبقاتی در تمامی آثار منصور حکمت، بویژه در "تفاوت‌های ما" و در سمینار اول و دوم کمونیسم کارگری به روشنی مورد بحث قرار گرفته و توضیح داده شده است. بقول منصور حکمت حتی در فرهنگ و در هنر و ادبیات و در ارزشها و اخلاقیات و غیره می بینید که دو نگرش هست، دو تفکر هست، دو انتظار و توقع هست، دو رشته ارزشها و آمال و آرزوها هست که به یکی چپ اطلاق میکنیم و به دیگری راست و این بازتاب کشمکش طبقاتی بین دو طبقه اصلی جامعه در همه سطوح است.

این معنی واقعی و عینی مبارزه طبقاتی است. وقتی مارکس میگوید مبارزه طبقاتی تاریخ را میسازد منظور این است و نه فقط آن مقاطعی که کارگر اعتصاب میکند و یا انقلابات در میگیرد. در مواقعی هم که ظاهراً همه چیز آرام است، در شرایطی که انقلابی و یا اعتراضات اجتماعی چشمگیری هم وجود ندارد، تخاصم طبقاتی تعطیل نمیشود. در هر حال آنچه تعیین کننده است و دولت‌ها و دیکتاتور‌ها و پارلمان‌ها و ارگانهای حاکم در جامعه را وادار میکند این یا آن سیاست را اتخاذ کنند و این یا آن موضع را بگیرند کشمکشی است که بقول مارکس گاه پنهان گاه آشکار در جامعه جریان دارد. دردوران انقلاب یا وقتی

جنبشهای اجتماعی عظیمی شکل میگیرند، مبارزه طبقاتی آشکار شده است. ولی در شرایط "آرام" هم مبارزه طبقاتی جریان دارد. این دید جامع از مبارزه طبقاتی نقطه شروع در دستور گذاشتن یک پراتیک وسیع برای کمونیستها است.

### کمونیسم پراتیک

کمونیسم سیاسی کمونیسم پراتیک است. سیاست، برخلاف تصور چپ مکتبی، فقط موضعگیری و اعلام مواضع نیست. فقط عقیده داشتن که چیزی خوب است و یا بد است و ابراز عقیده کردن و حتی تحلیل و بررسی کردن کافی نیست. این شاید برای آکادمیسینها، تاریخ نویسان، برای ناظرین تاریخ و کسانی که میخواهند تاریخ را قضاوت و ارزیابی کنند و یا برای نسلهای بعدی بنویسند و به میراث بگذارند، کافی باشد ولی برای کمونیسم سیاسی این فقط نقطه شروع است. عقیده ما، تبیین ما، درک ما و ارزیابی ما از تحولات و پدیده‌ها گام اول است و اهمیت تعیین کننده‌ای هم دارد ولی اگر همین جا متوقف بشویم کمونیست نیستیم. میتوانیم در سطح تبیین و تحلیل و نظر متوقف شوید و یک متفکر و تحلیلگر و یا یک هنرمند مارکسیست مطلع و باسوادی هم باشید ولی سیاسی نیستید. در مبارزه طبقاتی تفسیر دنیا برد کسی نمیکشود. بقول مارکس بحث بر سر تغییر دنیا است و نه تعبیر آن.

پراتیک در محور کمونیسم سیاسی قرار دارد. منصور حکمت به تبع مارکس کمونیسم کارگری را "ماتریالیسم پراتیک" مینامد. و در نوشته‌ها و سخنرانی‌های متعددی بر دخالتگری و عمل و پراتیک

بعنوان یک رکن مهم کمونیسم کارگری تاکید میکند.

کمونیسم غیرسیاسی حتی جنبشها و احزاب و شاخه‌های مختلف کمونیسم را نه بر اساس جایگاه و نقش اجتماعی و عینی آنها بلکه بر مبنای عقاید و نظراتشان ارزیابی میکند. بعنوان مثال برخورد کمونیسم فرقه‌ای به شاخه‌های دیگر کمونیسم بورژوائی که در قرن بیستم، بخصوص بعد از انقلاب اکتبر، شکل گرفتند بر مبنای اعتقادات و مواضع و نظرات آنها بود. احزاب و نیروهای سیاسی برمبنای اینکه مثلاً در قبال انقلاب اکتبر و کمونیسم روسی و یا مائونیسم و تروتسکیسم و مشی چریکی و غیره چه موضعی داشتند قضاوت و طبقه بندی میشدند و نه بر اساس جنبشها و تحولات عینی که در آنها دخیل بودند. اینکه هر حزب یا نیروی سیاسی خودش چکاره بوده است، و در یک جنبش عینی و یا انقلاب و حرکت اعتراضی چه نقش و جایگاهی داشته است، اینها اصلاً مطرح نیست. هر سازمان و حزبی بر مبنای اینکه چقدر به موازینی که از نظر کمونیسم مکتبی جزو اصول است وفادار مانده یا نمانده است قضاوت میشود. معیارشان اینست که احزاب و نیروها چقدر از نظرات مارکس دور شدند و یا نشدند؛ رویزونیسم بودند یا نبودند. درست مثل پیروان مذاهب که یکدیگر را به ارتداد و کفر و غیره متهم میکنند.

کمونیسم کارگری کلا مقوله رویزونیسم را کنار میگذارد. منصور حکمت و کمونیسم او معتقد است اگر کسی بنام کمونیسم اهداف و آرمانهای غیرکارگری را دنبال میکند، ادامه در صفحه ۵



درواقع لباس کمونیسم را برتن جنبش دیگری کرده است. مساله بر سر جنبشها با اهداف و آرمانهای مختلف است. پراتیک از همینجا وارد تحلیل کمونیسم کارگری میشود. وقتی به گرایشات و افرادی مثل استالین و استالینیسم و مانو و مانوئیسم و غیره میرسیم مساله این نیست که چه کسی مارکس را خوب فهمیده است یا نفهمیده است، بلکه بحث بر سر اینست که مکان عینی هر نیرو در مبارزه طبقاتی در آن مقطع چیست؟ به چه جنبشی متعلق است؟ چه هدف و آرمانی داشته است؟ به کجا میخواید برود؟ توری بعدا وارد میشود. اینکه هر نیروی چطور خودش را توضیح میدهد و سیاستهایش را تئوریزه میکند یک بحث است و اینکه بطور عینی و واقعی چه نقشی ایفا میکند بحث دیگری است. اگر در حزبی، فرض کنید حزب کمونیست چین و یا حزب کمونیست شوروی، اختلافات نظری و یا فراکسیون و انشعاب و غیره شکل میگیرد به این خاطر است که پراتیکهای مختلفی را در دستور حزب میگذارند. و نه به این خاطر که نظرات همدیگر را خوب نفهمیده اند. مساله این نیست که مثلا استالین نظرات لنین یا مارکس را خوب نفهمیده بود و یا، در آنها تجدید نظر کرده بود.

این تبیین و تحلیل از گرایشات و احزابی که چپهای فرقه ای با رویزونیسم و انحراف از اصول مارکسیسم، توضیح میدهند در بحثهای منصور حکمت در نقد تجربه شوروی (بولتهای مارکسیسم و مسله شوروی ۸۶-۱۹۸۵) به تفصیل توضیح داده شده است. بقول خود منصور حکمت این شیوه نقد تجربه شوروی خود نقطه شروع و مبنای خط و جهتگیری و خط فکری ای بود که چند سال بعد

به طرح نظرات کمونیسم کارگری منجر شد.

در محور کمونیسم پراتیک منصور حکمت تبیین جنبشی از مبارزه طبقاتی قرار دارد. منصور حکمت کمونیسم را قبل از هر چیز یک جنبش اجتماعی میداند و در برخورد به احزاب و سازمانها و نیروهای سیاسی نیز از جنبشها شروع میکند. اینکه هر کس و هر حزب و نیروی سیاسی چه خصلت و ماهیتی دارد و چه سیاستها و اهدافی را دنبال میکند ناشی از موقعیت او در جنبشهای طبقاتی است. بعنوان نمونه مانو از نظر ما به جنبش مدرن و صنعتی کردن چین متعلق است. او کسی بود که میخواست نظام نیمه فئودال نیمه مستعمره چین را در هم بکوبد، چین را مستقل و صنعتی کند و به این هدف هم رسید. این جوهر مانوئیسم است. اگر به اسم مارکس صحبت میکند به این خاطر است که در آن دوره بعد از انقلاب اکتبر مارکسیسم و کمونیسم اعتبار و محبوبیت جهانی و توده ای داشته است ولی بطور عینی باید جایگاه مانو و مانوئیسم را با جنبش اش تشخیص و توضیح داد نه مثلا با کتاب درباره تضاد. کلا برای نقد و شناخت عمیق نظرات و تئوریهها و سیاستها باید ابتدا جنبش و پایه عینی و اجتماعی آنها را بازشناخت.

از نظر پراتیکی هم جایگاه و نقش جنبشها تبیین کننده است. برای کمونیسم دخالتگر و پراتیک بحث از چه باید کرد شروع میشود و برای پاسخ به این سؤال باید جنبشها و حرکتهای عینی اجتماعی را بشناسید و جایگاه خودتان را آنجا پیدا کنید.

### قدرت سیاسی

فاکتور سوم در تمایز ما از

کمونیسم غیرسیاسی که خود از دو فاکتور جامع و ابژکتیو دیدن مبارزه طبقاتی، و ماهیت عملی و پراتیکی و دخالتگرانه کمونیسم کارگری ناشی میشود، اهمیت و جایگاه کسب قدرت سیاسی است. هدف و استراتژی ما خلع ید سیاسی از بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی است. برای رسیدن به این هدف هزار و یک جنبش و اعتراض و اعتصاب و مبارزه باید شرکت و دخالت کرد. ولی در همه این فعالیتها امر و هدف استراتژیک یک حزب کمونیستی اینست که از بورژوازی خلع ید سیاسی کند. این جوهر کمونیسم سیاسی و جوهر حزب است.

منصور حکمت میگوید حزبی که تصرف قدرت سیاسی بر سیاستها و تاکتیکها و فعالیت های روزمره اش و بر تفکر و چشم اندازش ناظر نباشد و سیاستهایش معطوف به قدرت سیاسی نباشد حزب نیست بلکه حداکثر یک گروه فشار است. کمونیسمهای مکتبی در مورد قدرت سیاسی هم، مثل همه پدیده های دیگر، صرفا موضع معینی دارند. اساس موضعشان هم اینست که طبقه کارگر باید خودش قدرت را بگیرد. اینکه چطور و با چه شیوه ای باید این اتفاق بیافتد و نقش کمونیستها در این میان چیست و غیره معلوم نیست. درست است، طبقه کارگر باید قدرت را بگیرد ولی کمونیستی که خود را جزئی از جنبش طبقه کارگر برای تصرف قدرت سیاسی نمیبیند تنها طبقه را از قدرت دور میکند! قدرت سیاسی را به طبقه احاله میکنند و خودشان را بی وظیفه میکنند. بقول منصور حکمت تصرف قدرت سیاسی حلقه گذار از تعبیر دنیا به تغییر دنیا است. کمونیسم غیر سیاسی که همه زندگی اش تعبیر و تفسیر است

این حلقه را لازم ندارد.

### اهمیت تعیین کننده مبارزه برای سرنگونی

معطوف و متمرکز بودن بر تصرف قدرت سیاسی در استراتژی و سیاستها و عملکرد هر روزه کمونیسم کارگری ما را به اهمیت محوری و تعیین کننده امر سرنگونی و مبارزه برای سرنگونی میرساند. یک وجه مهم نظرات و نوشته ها و مهم نظرات و نوشته ها و سمنارهای منصور حکمت باز شناسی و معرفی جنبش سرنگونی و خصوصیات آنست. نقد و مقابله بی امان با تز استحاله و نیروهای دو خردادی، تمرکز بر بی افقی و درماندگی و بحران و بن بست اقتصادی و سیاسی رژیم، نوشته هائی مثل رویاهای ممنوعه مجاهد، سناریوی سیاه و سناریوی سفید، و در یک سطح نظری عمیق تر و تئوریک تر، بحث تعیین کننده و کاملا نو و راهگشای منصور حکمت در مورد خصلت سلبی انقلاب، همه نشان دهنده مبارزه بی امان کمونیسم منصور حکمت برای سرنگونی حکومت است. امر سرنگونی و تمرکز بر آن در واقع ترجمه سیاسی- عملی نظریه حزب و قدرت سیاسی و یک وجه تمایز مهم کمونیسم کارگری از گروههای فشار و فرقه های عقیدتی- مکتبی است.

نکته مهم دیگر اینکه سرنگونی بورژوازی در جغرافیای سیاسی معنی بعنوان کشور اتفاق میافتد. کشور فقط یک پدیده بورژوازی نیست. ملت- دولت ها بدنبال انقلابات بورژوازی و با سلطه نظام کاپیتالیستی شکل گرفتند اما کشور در عین حال یک پدیده سیاسی طبقاتی و یک اقتصاد سیاسی معین و کنکرت است. شکل مشخص مبارزه طبقاتی کشوری است. سطح رشد

نیروهای تولیدی، قوانین کار، تاریخچه و سابقه مبارزه طبقه کارگر، توازن قوا، سیاستها و عملکرد و ساختار مشخص دولتها و غیره و غیره همه کشوری تعیین میشود. ازینرو کشمکشهای طبقاتی نیز خصلتی کشوری دارد. بورژوازی دنیا را به کشورها تقسیم کرده است و قدرت سیاسی را بعنوان نماینده ملت در یک جغرافیای سیاسی معین که کشور نامیده میشود در دست گرفته است. ما با دولتهای بورژوازی در کشورهای مشخص طرف هستیم. نمیتوان سازمان ملل را سرنگون کرد. نمیتوان امپریالیسم جهانی را سرنگون کرد. ولی میتوان و باید در هر کشوری بورژوازی را بزیر کشید.

کشور زمین فعالیت سیاسی است و اگر شما نمیخواهید فعالیت سیاسی بکنید بلکه میخواهید مثل چپ فرقه ای فقط موضع بگیرید دیگر کشور و مبارزه علیه دولت در یک کشور موضوعیت و اولویت و ویژگی ای برایتان ندارد. میتوانید علیه همه دولتها و علیه بورژوازی جهانی و علیه امپریالیسم باشید و علیه همه موضع بگیرید و مقاله بنویسید و خیلی هم احساس مجاهدت بکنید بی آنکه در هیچ عرصه و مبارزه معینی امر سرنگونی دولت معینی را دنبال کرده باشید. وقتی کشور و امر سرنگونی دولت در یک کشور معین را کنار بگذارید مبارزه دیگر امر کنکرتی نیست. یک امر ذهنی و انتزاعی است، علیه کاپیتالیسم علی العموم و علیه همه دولتها علی العموم است اما مشغول خلع ید از هیچ دولتی نیست! شما در چپ اروپا و چپ غرب هم این گرایش را مینیبید. حتی نیروهای "رادیکال" ادامه در صفحه ۶

بخشهای مختلف جامعه به جنب و جوش می افتند و یک کشمکش طبقاتی همیشه جریان دارد که حتی درگیری در میان خود طبقه حاکمه بازتابی از آن است.

برای ما مساله چه باید کرد اساس کار است نه صرفا چه باید گفت و یا چه نباید کرد. وقتی از پراتیک حرکت کنید فوراً کشور بعنوان شکل کنکرت مبارزه طبقاتی در سیاستهای شما برجسته میشود و تصرف قدرت سیاسی و مبارزه برای سرنگونی حکومت در هر کشور جایگاه تعیین کننده ای پیدا میکند.

منصور حکمت تنورسین و پراتیسین این نظرات بود و بعد از فروپاشی شوری این پرچم را بلند کرد بخاطر اینکه دیگر دوران کمونیسمهای غیر کارگری تماماً سپری شده بود. من در سمینارهای دیگر جنبه های دیگری از نظرات منصور حکمت و ویژگی های کمونیسم او را توضیح دادم. ولی در این بحث خواستم صرفاً به خصلت سیاسی کمونیسم منصور حکمت در تمایز با کمونیسمهای فرقه ای و ایدئولوژیک پردازم. امیدوارم بحث روشن باشد.

طبقاتی کاملاً غیر واقعی و متافیزیکی است، پراتیک برای این نیروها نقش و جایگاهی ندارد و بطریق اولی قدرت سیاسی و کسب قدرت هم نقش و جایگاهی ندارد. کمونیسمی که مجموعه ای از نظرات و مرزبندیها است، ممکن است حتی تبیین و تفسیر درستی از پدیده ها و تحولات داشته باشد ولی دخالتگری عملی ای به منظور تغییر شرایط موجود در قاموس اش نیست. ناظری است که از پنجره به صحنه نگاه میکند و در بهترین حالت بعنوان داور مبارزه ظاهر میشود.

برای کمونیسم مکتبی اینکه مبارزه طبقاتی به کجا میرود و به چه نتیجه ای میرسد و تاریخ چه روندی پیدا میکند و مهمتر از همه چه باید کرد که روند تحولات به نفع طبقه کارگر و در جهت اهداف انسانی کمونیستها باشد اصولاً مطرح نیست. دغدغه او ایدئولوژی و مرزبندی و موضع گیری است.

برای کمونیسم کارگری بر عکس مبارزه طبقاتی کشمکش بیوقفه ای است بین طبقات که صرفاً به سیاست و اقتصاد محدود نمیشود و فقط هم مبارزه کارگر علیه سرمایه دار نیست بلکه در عرصه های مختلف

فلسفه وجودی اش و حزبیت اش اینست که برای خلع ید از بورژوازی در یک کشور معین بجنگد. همه تفنگها به طرف دولت خودی.

انترناسیونالیسم کمونیستی نیز یعنی همکاری و هماهنگی و حمایت احزاب کمونیست از یکدیگر برای تصرف قدرت سیاسی در هر کشور. بورژوازی یک دولت جهانی ندارد. بالاخره باید دولتهای معینی در کشورهای معینی را بزیر کشید. این آرایش سیاسی است که بورژوازی به جهان داده است و پرولتاریا باید در همین آرایش سیاسی بجنگد تا بتواند پیروز بشود.

### بعنوان جمع بندی

کمونیسم سیاسی یک وجه تمایز مهم ما از کمونیسم ایدئولوژیک و فرقه ای را بیان میکند. همانطورکه کمونیسم کارگری بیانگر تفاوت ما از کمونیسمهای بورژوائی است. کمونیسم غیر سیاسی شاخه ای از کمونیسم غیر کارگری است که ویژگی اش محدود ماندن به موضوعگیری و برخورد ایدئولوژیک و اسکولاستیک به واقعیات و تحولات است.

تلقى این نیروها از مبارزه

شعار را قبول نکردند و بلشویکها محبور شدند انترناسیونال دو را ترک کنند. ولی نهایتاً همین خط و جهت گیری بود که به انقلاب اکتبر و پیروزی بلشویکها منجر شد. لنین خودش صاحب این تئوری بود که جنگ جهانی جنگی بین قدرتهای امپریالیستی برای تقسیم جهان است اما از اینجا به این نتیجه نرسید که باید علیه همه امپریالیستها و علیه جنگ امپریالیستی علی العموم مبارزه کرد. این فقط میتوانست یک موضوعگیری ظاهراً رادیکال اما عملاً پاسیویستی باشد. فراخوان لنین این بود که کارگران و کمونیستها در هر کشور علیه دولت خودشان بلند بشوند و به جنگ جهانی اول به این شکل پیش نه تنها جنگ را تمام کرد بلکه به سلطه سرمایه داری در کشورهای درگیر درجنگ پایان داد. به نظر من این فراخوان و شعار همه تفنگها بطرف دولت خودی فقط به دوران جنگ محدود نمیشود بلکه همیشه معتبر است. به معنی تحت الفظی مختص دوران جنگی است ولی به معنی استعاره ای و عمومی تر درباره همه دوره ها صادق است. کمونیسم سیاسی اگر میخواهد در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی نقش ایفا کند اولین وظیفه اش و استراتژی و

چپ فرقه ای در رابطه با دولت خودی و گرفتن قدرت سیاسی حرف چندانی برای گفتن ندارند. مثلاً در آلمان نیروهای چپی هستند که در رابطه با موضوعات مختلف مثل پناهندگان و محیط زیست و علیه راسیسم و غیره مواضع مترقی ای دارند. ولی خود دولت آلمان و کشمکش بر سر تصرف قدرت سیاسی در آلمان در دستور هیچ حزب و نیروی کمونیستی در آن کشور نیست. کمونیستهای مکتبی درگیر مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی در هیچ کشوری نیستند. این را سپرده اند به احزاب حکومتی و حداکثر بعنوان گروه فشاری بر آنها عمل میکنند. خودشان برای رسیدن بقدرت نه نقشه عملی دارند و نه استراتژی ای و نه فعالیت معینی.

رادیکالیسم کمونیستی یعنی با تمام قدرت علیه دولت خودی، علیه دولت کاپیتالیستی در یک کشور. زمانی لنین در دل جنگ جهانی اول و در برابر سوسیال شوونیستهای انترناسیونال دوم فراخوان داد که تمام تفنگها بطرف دولت خودی. خیلی از نیروهای انترناسیونال دوم از جمله سوسیال دمکراسی آلمان این

ادامه از صفحه ۱

می دهند. فشار زیادی بر ما وارد شده است. .. ما هرگز جرات برداشتن روسری در خیابان را نداشتیم. اما نسل جوان امروز جرات این کار را دارد." این سخنان بازتاب آن انقلابی است که در چشم انداز نزدیک جامعه ایران خود را نشان میدهد. این کیفرخواست زنان علیه نیروی ضد بشری و ضد زن و ارتجاعی ای است که در ایران نه فقط زنان بلکه کارگران، بازنشستگان، جوانان و همه زنان و مردان شریف را پایمال میکند. کیفرخواست علیه این نیروی خبیث را مردم این کشور بارها به زبان آورده اند.

"انقلاب زنان!" یا انقلاب زنانه آنگونه که منصور حکمت اشاره میکند به یک واقعیت عمیق اشاره میکند. به قدرت زنان. به جنبش آزادی زن که نه فقط زنان بلکه میلیونها زن و مرد را در بر میگیرد که میخواهند جامعه را انسانی کنند. مدتهاست که صدای انقلابی انسانی و زنانه در ایران شنیده میشود. زر امیر ابراهیمی از چنین انقلابی سخن میگوید. بعنوان یک زن علیه حکومت ضد زن کیفرخواست میدهد. و صدای چنین انقلابی را بازتاب میدهد و از آن دفاع میکند.



**شرایط سیاسی حاضر و جایگاه منصور حکمت**  
ارائه دهنده: حمید تقوایی

جمعه ۱۰ تیر ۱۴۰۱ - ۱ جولای ۲۰۲۲  
ساعت ۶:۳۰ عصر اروپای مرکزی، ۹ شب ایران



بخش زنده در  
تلویزیون کانال جدید

ورود برای عموم آزاد است

بخش مستقیم در وبسایت و یوتیوب

www.kanaljadid.com

## کلید حل بحران حکومتی در عراق در دست مردم است عبدل گلپریان

درهم ریختگی اوضاع حاکم بر عراق به گونه ای است که طرفهای درگیر در حاکمیت این کشور مطلقاً نه تنها راه حلی برای رفع آن ندارند بلکه خود آنان اصل صورت مسئله بحران و بن بست حاکم بر این کشور هستند. نزدیک به ۹ ماه از انتخابات پارلمانی زودرس احزاب حاکم که قرار بود در زودترین زمان ممکن به اختلافات خود پایان داده و کرسی ها و ثروت و قدرت را بین خود تقسیم کنند می گذرد. اما طی این مدت نه تنها تلاش آنها گرهی از دهها گره کورشان را باز نکرده بلکه بحران و بن بست موجود را عمیق تر هم کرده است.

بعد از اینکه ائتلاف صدر، سنی ها و حزب دمکرات کردستان عراق حد نصاب لازم برای تعیین رئیس جمهوری، نخست وزیر و تشکیل کابینه را بدست نیاوردند، گروه صدر به عنوان بزرگترین جریان با ۷۳ کرسی پارلمانی، ضرب الاجلی برای نیروها و جریانات شیعه طرفدار جمهوری اسلامی جهت تعیین تکلیف بن بست موجود تعیین کرد و در واقع توپ را در زمین آنها انداخت. اما آنان همانگونه که انتظار میرفت قادر نشدند به این درهم ریختگی در بالا پایان دهند.

بدنبال این اختلافات، مقتدی صدر از ۷۳ نماینده پارلمانی خود خواست که همگی استعفا بدهند. آنان استعفا دادند و محمد حلبوسی رئیس پارلمان و همپیمان صدر

بلافاصله استعفای آنان را پذیرفت. در این تردیدی نیست که صدر پیشتر حلبوسی را از این تصمیم مطلع کرده بود. برخی تحلیل گران تحولات سیاسی در عراق بر این باورند که با این استعفای دسته جمعی، اکنون میدان برای نیروها و جریانات ائتلافی تحت عنوان، "چارچوب هماهنگی" که همگی از جریانات طرفدار جمهوری اسلامی هستند باز شده است. اما برعکس تشتت و شکست جمهوری اسلامی از سوی دیگر باز شدن میدان تاخت و تاز قومه گردانی نیروهای مسلح جریان صدر در خیابانهای شهرهای عراق علیه رقیبان دیگر است که جلو آمده است.

اکنون با کنار کشیدن جریان صدر به گزینه های بی سرانجام و به بن بست رسیده احزاب پارلمانی که زندگی میلیونها نفر از مردم عراق را به تباهی کشانده است نظری بیاندازیم.

اولین بازتاب کنار کشیدن جریان صدر بروز اختلافات شدید میان نیروهای ائتلاف "چارچوب هماهنگی" است. اخیراً سه جریان در این ائتلاف برای معاونت پارلمان کاندیدا معرفی کرده اند. همین مورد نشان می دهد که حتی "چارچوب هماهنگی" قادر نیست کاندید واحدی برای پست معاونت پارلمان تعیین کند. این یعنی تشتت در میان این ائتلاف. جنبه دیگر که نگرانی "چارچوب هماهنگی" را بیشتر کرده است در کمین نشستن جریان صدر است که به تتهایی ظرفیت به خون کشیدن جامعه عراق را در تقابل با رقیبانش در خود دارد. نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی در پارلمان عراق بارها خاطر نشان

ساخته اند که تشکیل کابینه، انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر و دیگر پست های کلیدی در عراق بدون رضایت جریان صدر که ۷۳ کرسی خود را منحل کرد محکوم به شکست خواهد بود.

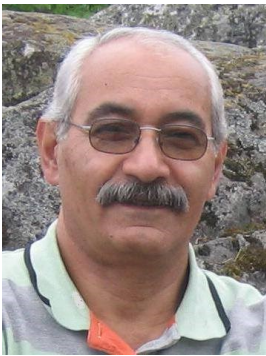
استعفای نمایندگان جریان صدر در واقع نه تنها همچنان بن بست و عدم موفقیت احزاب پارلمانی در شکل گیری ساختار حاکمیت در عراق را نشان می دهد بلکه جریان صدر با این اقدام می خواهد در قامت اپوزیسیون در مقابل گروههای طرفدار جمهوری اسلامی بایستد و این یعنی عمیق تر شدن کلاف سردرگم این نیروها در ساختار حاکمیت آنان بر مردم عراق. مقتدی صدر با آرای پنج درصد از شرکت کنندگان در انتخابات پارلمانی، تهدید به جنباندن نیروهایش در کف خیابان را به رخ رقیبان می کشد. نگرانی ائتلاف "چارچوب هماهنگی" هم همین است. به این خاطر است که حتی با استعفای نمایندگان پارلمان جریان صدر، احزاب ائتلافی در "چارچوب هماهنگی" همچنان از رضایت و تایید صدری ها در پروسه تشکیل دولت و غیره سخن می گویند.

بنا به شواهد موجود نه تنها توافقی بین هیچکدام از نیروهای ائتلاف "چارچوب هماهنگی" قابل مشاهده نیست بلکه تنش بین احزاب ائتلافی هم حاد تر شده است. دو رویکرد در این ائتلاف وجود دارد. بخشی به سرکردگی نوری مالکی معتقدند که به همین شکل پروسه شکل گیری دولت آینده، پست رئیس جمهور و نخست وزیر از طریق تصمیمات فرقه ای و گروهی انجام شود. جریان عصاب اهل حق به سرکردگی خزعلی

طرفدار انتخابات مجدد پارلمانی است. یک نماینده از طرف جریان فتح هادی عامری، یک نماینده از طرف حزب دولت قانون نوری مالکی و یک نماینده از طرف گروه عصاب اهل حق که هر کدام در یک گروه وارد جدال برای کسب کرسی معاون پارلمان شده اند. ایاد علاوی عضو دولت قانون از جریان مالکی می گوید: "جهتی واحد و یک دست برای بدست آوردن این پست در بین ائتلاف "چارچوب هماهنگی" و همچنین پر کردن خلا ریاست جمهوری و نخست وزیری وجود ندارد". اکنون اعضای این ائتلاف نه تنها قادر به اتخاذ تصمیم نیستند بلکه در درون خود نیز دچار اختلاف و تشتت هستند. بنظر می رسد با استعفای ۷۳ عضو پارلمان از گروه صدر، دیگر احزاب رقیب در این ائتلاف آچمز شده اند. و این آن چیزی است که مقتدا صدر دنبال میکند.

این تنها گوشه کوچکی از بحران و بن بست موجود در میان این ائتلاف است. ائتلافی که نه تنها نمی شود آنرا ائتلاف نامید بلکه هر کدام برای دست یابی به پست های حکومتی از سر و کول هم بالا می روند.

در صورت به بن بست رسیدن کامل ائتلاف "چارچوب هماهنگی"، که از هم اکنون قابل پیش بینی است، گزینه بعدی طرح تجدید انتخابات پارلمانی دیگری خواهد بود. در صورت رجوع به این گزینه، معادلات، دسته بندی ها و ائتلاف ها نیز جابجا خواهند شد. تمام گروهها، احزاب و دستجات حاکم بر عراق این را می دانند که بدون حضور و شرکت جریان صدر



هیچ سیاست و تصمیمی در میان احزاب پارلمانی پیش نخواهد رفت. اوضاع و شرایط کنونی در بحران و بن بست حاکم بر احزاب و نیروهای پارلمانی در عراق به گونه ای نیست که با کنار کشیدن جریان صدر اوضاع بر وفق مراد جمهوری اسلامی در "چارچوب هماهنگی" پیش برود. استعفای دسته جمعی ۷۳ نماینده جریان صدر، نه یک عقب نشینی بلکه اتخاذ سیاستی برای تعرضات بعدی و سیاستی در جهت ایجاد بن بست کامل در میان رقبای این گروه در "چارچوب هماهنگی" است. با عدم موفقیت "چارچوب هماهنگی" که معزز و حتی است، جریان صدر می تواند از این فرصت که خود در ایجاد آن نقش داشته است بار دیگر با قرق کردن خیابانها و در قامت ناجی حل این بحران به جلو صحنه بیاید. بدترین سناریو شاخ و شانه کشیدنهای جریان مقتدی صدر در سطح شهرها است که با تبدیل شدن به اپوزیسیون، ظرفیت بالایی در ایجاد فضای تشنج، ناامنی و ناآرامی در عراق خواهد بود.

فعلاً اوضاع به بن بست رسیده کنونی سبب شده است که اعتراضات میلیونی و توده ای مردم که بعد از ۲۰۱۹ و آغاز شیوع کرونا فروکش کرده است تکانی بخورد و قطعاً این قابلیت



## حرکت جامعه بسوی اعتصاب عمومی شهلا دانشفر

اعتصاب سراسری و عمومی به یک گفتمان جدی در جامعه تبدیل شده است. اعتصابات گسترده کارگری و حرکت سریع اعتراضات بسوی سراسری شدن و نمونه های موفق تا کنونی آن در متن شرایط پر التهاب جامعه اعتصاب عمومی را به یک گفتمان جدی تبدیل و زمینه های عملی آنرا را فراهم تر کرده است. اعتصاب عمومی نیز به معنای فلج اقتصادی جمهوری اسلامی و به تعطیلی کشیده شدن همه بخش های جامعه مورد توجه عموم قرار گرفته است. اعتصاب عمومی یعنی اعتصابات همزمان و سراسری معلمان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و تمامی دیگر بخش های جامعه از جمله رانندگان و کسبه و بازاریان و کارمندان و بخشهای دیگر. رسیدن جامعه به چنین مقطعی از اعتراض، یعنی شکل گرفتن یک اعتصاب سیاسی عمومی سرنگونی حکومت را بسیار نزدیک میکند. این روندی است که امروز جامعه بسوی آن در حرکت است. به عبارت روشنتر جنبش سرنگونی با اعتصابات سراسری و تبدیل آن به اعتصاب عمومی در سطح جامعه و به راه افتادن موج اعتراضات در کف خیابانها برای زدن ضربه آخر بر پیکره حکومت در حرکت است و باید به استقبالش رفت. اتفاقات همین سه ماه اخیر

صحت این گفته را بیش از پیش عیان می سازد. با اتکاء به این پیشروی ها باید وسیعا به تدارک اعتصابات سراسری رفت و خیزش برداشتن بسوی یک اعتصاب عمومی سیاسی فراگیر که چرخ سیستم جهانی جمهوری اسلامی را از کار بیندازد گام برداشت و به بساط بردگی و توحش حاکم پایان داد. در این نوشته تلاش میکنم نگاهی گذرا بر پیشروی هایمان بیندازم و بر روی زمینه های اجتماعی متحقق کردن چنین اتفاق سیاسی مهم در حرکت رو به جلوی جنبش سرنگونی مکتبی داشته باشم.

معلمان با اعتراضات سراسری خود که دامنه اش به بیش از ۲۰۰ شهر رسید ممکن بودن برپایی اعتصابات سراسری را نشان دادند و الگویی در برابر کل جامعه قرار دادند. حکومت سرکوب شدید مبارزات آنها را در پیش گرفت. شهر به شهر دست به دستگیری زد. برای فعالین معلم پرونده سازیهای امنیتی به راه انداخت. اما معلمان به اسطوره ای از مبارزه علیه سرکوبگری های حکومت تبدیل شدند و دادگاه ها را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند و همین امروز نیز جانانه برای آزادی همکاران در بند و علیه پرونده سازیهای امنیتی در جدالند. نامه سرگشاده ده خانواده معلمان و کارگران بازداشتی علیه پرونده سازی ها با اخطار بر اینکه باید عزیزان آنها فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند یک نمونه اخیر آنست.

در کنار اعتراضات معلمان شاهد اعتصابات گسترده کارگران پروژه ای نفت و تحرکات وسیع در میان بخش های مختلف آن هستیم. کارگران پروژه ای پیمانی نفت نیز در دو سال اخیر الگوی موفق از اعتصابات سراسری هزاران نفره را جلوی چشم جامعه گذاشتند. و همین امروز نیز نفت یکپارچه اعتراض است. از سوی دیگر اعتراضات اختطاری کارگران بی آر تی شرکت واحد، آتش نشانی ها، مخابرات، راه آهن، کارگران برق فشار قوی، رانندگان کامیون و شهرداری ها، کارکنان بیمارستانها و بخش درمانی، اشکالی از اعتراضات سراسری را به بوته آزمایش گذاشتند و موفق بودند.

همچنین یک بخش مهم پر تحرک اعتراضی جامعه بازنشستگان تامین اجتماعی هستند که بطور ویژه در چند ماه اخیر با مبارزاتشان حماسه آفریدند. مصوبه پانزدهم خرداد ماه هیات وزیران مبنی بر افزایش ده درصدی حقوقها، آنها با سونامی گرانی ای که شوکی بزرگ بر کل جامعه وارد کرده است، خشم و اعتراض آنها را شعله ورتر ساخت. در این مدت تجمعات بزرگ بازنشستگان و راهپیمایی های اعتراضی آنها در شهرهای مختلف و طنین شعارهای کوبنده شان که بطور واقعی کل بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش میکشد، چهره اعتراضی جامعه را عوض کرده است. بازنشستگانی که سرود زیر بار ستم نمیکشیم زندگی،

جان فدا میکنیم در راه آزادی را در کف خیابانها سر دادند و پای کوبیدند و گفتند مرگ بر بندگی. فریاد زدند و با شعارهای بازنشسته بیدار است از استثمار بیزار است، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست به صدای رسای اعتراض کل جامعه تبدیل شده اند. بازنشستگانی که دارند به پایان دادن کل این بساط بردگی و چپاول و توحش حکم میدهند و با اعتراضات خود خواستهای سراسری کل جامعه را که میتواند محوری برای اعتراضات همگان باشد جلو آورده اند.

این در حالیست که در اردیبهشت ماه بود که مردم در دهها شهر علیه سونامی گرانی با شعارهای ضد حکومتی از جمله شعارهای توپ، تانک، فشفه آخوند باید گم بشه، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و مرگ بر رئیسی بار دیگر به خیابانها آمدند. بعد هم فاجعه انسانی مترویل آبادان این اعتراضات را شعله ور تر کرد. نکته مهم در این میان همزمان شدن اعتراضات بخش های مختلف کارگری با اعتراضات دیگر بخشهای مردم در کف خیابان و تداوم آنها بود. به عبارت روشنتر فضای پر تحرک جنبش کارگری زمینه ساز اعتراضات مردمی در کف خیابان شد و اعتراضات مردمی با فریاد مرگ بر دیکتاتور شکل تعرضی تری به اعتراضات بخش های مختلف کارگری داد. از جمله در یکماه اخیر بازنشستگان تعرضی تر از همیشه برای پیگیری

خواستههایشان به خیابان آمدند و با شعار فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون به اعتراضاتشان تداوم بخشیدند. در این اعتراضات بازنشستگان همصدا با کف خیابان با شعار "گرانی، تورم، بلای جان مردم" سر دادند و از جمله یک بنر اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز شعار "نه به حقوق زیر خط فقر هیچده میلیون" بود.

از سوی دیگر اقتصاد به گل نشسته حکومت اسلامی کار را به جایی رسانده است که در ماههای اخیر حتی دامنه اعتصابات را به بازار کشانده است و در این مدت در شهرهایی چون تهران، اصفهان، شیراز، اراک، کازرون، تبریز، فسا، میناب و بروجرد کسبه بازار دست به اعتصاب زدند و هنوز هم اینجا و آنجا این اعتراضات را میبینیم. محور این اعتراضات بیشتر از همه کسبه های خرد هستند که در زیر چرخ دنده های سرمایه داران گردن کلفت رانت خوار و عمدتا وابسته به جناحهایی از حکومت که صاحبان اصلی بازارها هستند، دارند له میشوند. اینها کسبه ای هستند که در این وانفسای بیکاری به عنوان کسب و کار با ادامه در صفحه ۹

مسیری هموار نیست اما واقعیت خیزش مردم عراق نشان داده است که عقب راندن این نیروها از جانب مردم عملی و امکان پذیر است.

جامعه ای آزاد، برابر، سکولار و انسانی است که مردم این کشور روی آسایش، رفاه و امنیت را خواهند دید. با وجود شمار زیادی دستجات مسلح و مترجع اسلامی در صحنه، این

اسلامی و بیرون کردن جمهوری اسلامی از عراق به میدان آمدند. تنها با سرنگونی احزاب و نیروهای قومی، اسلامی و طایفه ای توسط مردم بستوه آمده در عراق با خواست

منجلاهی که احزاب و دستجات قومی و اسلامی که جامعه عراق را به تباهی کشانده اند در دستان مردمی است که اکتبر ۲۰۱۹ را رقم زدند و برای به زیر کشیدن تمام گروههای قومی، طایفه ای،

از صفحه ۷

را دارد که مجددا به میدانهای تحریر باز گردد. حل ریشه ای بحرانها و بن بست ها در عراق و پایان دادن به این درهم ریختگی و کنار زدن



ادامه از صفحه ۸

هزار بدبختی اندک سرمایه ای جور کرده اند و اکنون در شرایطی که مردم توان خرید کالایی را ندارند، بدون داشتن در آمدی با کلی قرض و بدهکاری بابت دکه و یا مغازه کوچکی که سرهم کرده اند در برابر مالیاتهای سهمگینی که دولت بر آنها مقرر کرده در آستانه ورشکستگی قرار گرفته و شعل و معیشتشان رو به نابودی است. کسبه ای که شمارشان بسیار است و در اعتراضاتشان با شعار مرگ بر رئیسی، «سفره ما خالی، وعده وعید کافی. فریاد اعتراض خود را علیه سونامی گرانی و به تباهی رسیدن زندگی و معیشتشان بلند کردند. اعتصاب بازار که عمق بحران و فروپاشی اقتصادی را نشان میدهد، به موازات اعتراضات بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و اعتصابات کارگری، گفتمان اعتصاب عمومی را وسعت بیشتری داده است.

در تداوم چنین فضایی از اعتراض است که امروز تحرک مبارزاتی در بخش های مختلف نفت گسترش بیشتری یافته است. از جمله هم اکنون بیش از سه هزار داربست بند نفت در اعتصاب سراسری هستند و هر روز شمار کارگران پیمانی داربست بند اعتصابی بیشتر میشود. کارگران اورهال پالایشگاه تهران هم از ششم

**پی آمد این اوضاع پیام خانواده های دادخواه است که خطاب به مردم سخن گفته و فراخوان به اعتصابات سراسری داده اند. خانواده های دادخواه که در مقطع مضحکه انتخابات رئیسی با گفتمان "رای من سرنگونی است" به جمهوری اسلامی نه گفتند و ادامه آبان را فریاد زدند، امروز با فراخوان به اعتصاب و گفتن اینکه اعتصاب سراسری نشانگر قدرت اتحاد واقعی مردم است و هیچ ستمگری نمیتواند سرکوبش کند، پیام آور انقلابند. آنها طی پیام ویدئویی زیبایی خطاب به کارگران، معلمان، کشاورزان، رانندگان کامیون و دانشجویان و همه بخش های جامعه سخن میگویند و میخواهند که همه و همه به اعتصابات سراسری بپیوندند. اینها خانواده های جانباختگان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و قربانیان هواپیمای اکرایی هستند که سخن میگویند. برخی از اینها خانواده هایی هستند که عزیزانشان با طناب دار جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند.**

این پیام تأکیدی بر فراخوان حزب بر اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی سیاسی همه مردم است. امروز کارگران نفت میتوانند یک کانون قدرتمند اعتصابات سراسری باشند. معلمان و بازنشستگان با اعتراضات پرتوانشان میتوانند یک سنگر مهم اعتراضات سراسری باشند. اعتراض علیه سونامی گرانی و برنامه جراحی رئیسی جلاد، اعتراض علیه سرکوبگری های حکومت، اعتراض در دفاع از زندگی و معیشت و برای داشتن یک زندگی انسانی و فریاد خواستها و مطالباتمان محورهای مهم چنین اعتصابات هستند. با اعتصابات سراسری و عمومی میتوان چرخ اقتصادی حکومت را فلج کنیم. میتوانیم کاری کنیم که این بار این کارگران و بخش های مختلف کارگری، این زنان معترض به کل بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و این همه مردم با اعتراض علیه کل بساط بردگی و توحش حاکم با مارش عظیم با شکوه خود در کف خیابانها به جهنم جمهوری اسلامی خاتمه دهند. همان مردمی که سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی را سر دادند و به پایان دادن به بساط توحش و بردگی حاکم حکم دادند

خانواده ها از عزیزان جانباخته خود میگویند، از سرکوبگری های حکومت در قبال مردم سخن میگویند و فریاد دادخواهی همه مردم هستند. فراخوان آنها به اعتصابات سراسری و به اتحاد همه بخش های جامعه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است. آنها با گفتن اینکه سرکوبگر از ماشین خاموش کارخانه ها و دستگاههایش، از نشیندن صدای ماشین رانندگان کامیون، از مغازه های تعطیل و اعتصاب عمومی میترسد، پیامشان به مردم اینست که با اعتصابات سراسری کابوس این حکومت شویم. حرفشان اینست که اعتصاب سراسری یعنی قدرت واقعی، چیزی که هیچ ستمگری توان سرکوبش را ندارد. این پیام بیان واقعی حال و هوای جامعه امروز ایران است.

رئیسی با گفتمان "رای من سرنگونی است" به جمهوری اسلامی نه گفتند و ادامه آبان را فریاد زدند، امروز با فراخوان به اعتصاب و گفتن اینکه اعتصاب سراسری نشانگر قدرت اتحاد واقعی مردم است و هیچ ستمگری نمیتواند سرکوبش کند، پیام آور انقلابند. آنها طی پیام ویدئویی زیبایی خطاب به کارگران، معلمان، کشاورزان، رانندگان کامیون و دانشجویان و همه بخش های جامعه سخن میگویند و میخواهند که همه و همه به اعتصابات سراسری بپیوندند. اینها خانواده های جانباختگان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و قربانیان هواپیمای اکرایی هستند که سخن میگویند. برخی از اینها خانواده هایی هستند که عزیزانشان با طناب دار جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند. در این ویدئو کلیپ

تیرماه دراعتراض بسر میبرند. و نیز در هشتم تیرماه هفته کارگران رسمی نفت مقابل وزات نفت تجمع داشتند. یک خواست مشترک مهم همه این بخشها افزایش حقوقهاست و کارگران داربست بند اعلام کرده اند که حقوق هیچ داربست بندی نباید از ۲۵ میلیون کمتر باشد. بازنشستگان تامين اجتماعی نیز در ادامه اعتراضاتشان با عنوان "برپایی بزرگترین تجمعات سراسری" برای یازدهم تیرماه فراخوان به تجمعات سراسری در تمام شهرها را داده اند.

پی آمد این اوضاع پیام خانواده های دادخواه است که خطاب به مردم سخن گفته و فراخوان به اعتصابات سراسری داده اند. خانواده های دادخواه که در مقطع مضحکه انتخابات

**اساس سوسیالیسم انسان است**

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**Worker-communist Party of Iran**

**سرمدیر: نسان نودینیان**  
**ادیتور: کاظم نیکخواه**

**انترناسیونال**

**نشریه حزب کمونیست کارگری ایران**

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran)

اینستاگرام: [www.instagram.com/wpi94](http://www.instagram.com/wpi94)

تلگرام: [t.me/wpi\\_94](https://t.me/wpi_94)

وبسایت: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

## رهبر درمانده و سلام به پایان هادی وقفی

واقعیت آن است که گسترش و تعمیق اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و در کل توده مردمی که هرچه بیشتر متعین تر، مصمم تر و آگاه تر برای بیزیر کشیدن نظام اسلامی بمیدان آمده اند و در واقع، تغییر توازن قوای اجتماعی بنفع مردم و نیروهای سرنگونی طلب، خامنه ای را هم هرچه بیشتر به این صرافت انداخته است که برای جمهوری اسلامی و دیکتاتور درمانده اش، زمان سلام به پایان فرا رسیده است!

رهبر مفلوک، درمانده و پریشان حال جمهوری اسلامی، طی هفته ای که گذشت، اقداماتی را در جهت ترمیم ساز و کار سرکوب و کشتار خود انجام داد و نیز در جمع مقامات و قضات دستگاه قضایی، اظهاراتی را بمنظور خط و نشان کشیدن و مرعوب کردن معترضان و توده مردم بجان آمده بیان داشت.

خامنه ای حدود یک هفته پیش، "حسین طائب" معروف به "حاج میثم" را از ریاست سازمان اطلاعات سپاه برکنار کرد و "محمد کاظمی"، جانشین اش در فرماندهی سازمان حفاظت اطلاعات سپاه را بجای او منصوب نمود. "حسین طائب"، یک درنده خوی تمام عیار و سرسپرده کامل یک حکومت خونخوار و انسان کش بود. او خوش خدمتی خود در برخورداری از میزان بالای خونریزی و پرونده سازی بر علیه معترضین در خیزش های مختلف اجتماعی و بخصوص در جریان خیزش ۸۸ و پس از آن را به خامنه ای اثبات کرده بود و در کنار اینها، البته دستگیری ایرانیان دو تابعیتی بمنظور باج گیری در عرصه بین المللی،

بازداشت و شکنجه و کشتار بیرحمانه معترضان جنبش های اجتماعی و فعالین محیط زیست و تلاش برای به دام انداختن فعالین اپوزیسیون و روزنامه نگاران خارج از کشور را هم در کارنامه سیاه و نکبت بار و مملو از جنایت و آدمکشی خود به ثبت رسانده بود!

کنار گذاشتن این مهره خونخوار حکومت و در واقع، همکار مجبئی خامنه ای در سرکوب اعتراضات مردم در سال های گذشته، البته برای خامنه ای آسان نبود اما، شکست های اطلاعاتی و امنیتی رژیم در مقابل دشمنان، همچون ترور افراد درگیر در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی و این اواخر فرماندهان و مقامات سپاه قدس و سازمان هوا و فضای سپاه و همچنین خروج اسناد و مدارک سری برنامه هسته ای از کشور و سردرآوردن شان از اسرائیل و همچنین ترور مقامات دخیل در برنامه های موشکی و پهپادی سپاه و مهم تر از همه اینها، گسترش دامنه مبارزات و اعتراضات و اعتصابات هر روزه کارگران و معلمان و بازنشستگان برای اعاده حقوق از دست رفته شان و از آن طرف هم، تلاش برای محفوظ نگاه داشتن اندک نیروهای وفادار رژیم، در واقع، چاره دیگری برای خامنه ای باقی نگذاشت. او همچنین در تلاش مذبحوحانه دیگری، روز شنبه هفته گذشته، سرتیپ پاسدار "ابراهیم جباری" را از سمت فرماندهی سپاه "حفاظت از ولی امر" کنار گذاشت و "حسن مشروعی فر" را بجای او منصوب نمود. سازمانی که مجموعه پرسنل آن تا دوازده هزار نفر تخمین زده می شود! و البته همه این اقدامات هنوز به اندازه کافی نشانگر ترس و هراس خامنه ای از روزهای پایانی حکومتی منحوسش نبود!

او طی سخنرانی هایش در

هفته ها و ماه های اخیر شمشیر را از رو بست و شاخ و شانه کشید و تلاش کرد هوادارانش را رهنمون دهد و در آخرین دست و پا زدن هایش هم، روز سه شنبه در جمع مقامات و قضات دستگاه قضایی باز هم به سخنان متناقض و بیهوده ای متوسل شد تا بخیال خود معترضان و توده مردم بجان آمده را مرعوب نماید. خامنه ای در این سخنرانی سرکوب ها و کشتارهای حکومت منحوس شان را در اوایل روی کار آمدنش و طی سال ۱۳۶۰ به یاد جیره خوارانش آورد و تلاش کرد ضمن مقایسه آن دوران با شرایط انفجاری امروز ایران، مردم را تهدید کرده و باز هم توده مردم معترض را نسبت به ظرفیت آدمکشی و جنایت جمهوری اسلامی هشدار دهد!

ولی فقیه حکومت اسلامی که اینروزها ترس و وحشت و بی آندگی سر تا پای خودش و نظامش را فرا گرفته، البته اینبار به رسانه ها و فضای مجازی هم تاخت و از مریدان و مزدورانش در دستگاه آدمکشی نظام اسلامی خواست هرچه سریعتر فکری بحال این قضیه بکنند! او ابلهانه تلاش کرد تمام مشکلات و بحران ها و اعتراضات و اعتصابات هر روزه مردم را به شایعات دشمن که در فضای مجازی بازتاب می یابد، نسبت داده و بگوید "هر چند روز یکبار و گاهی هر چند ساعت یکبار یک شایعه ای یا یک دروغی را یک آدم مشخص یا نامشخصی در فضای مجازی منتشر می کند. مردم را نگران می کند. ذهن مردم را خراب می کند... خوب امنیت روانی مردم از بین می رود و یکی از وظایف قوه قضاییه برخورد با این مسائل است!"

خامنه ای که دم و دستگاه تحت امرش چندی پیش اجازه استفاده از سلاح و شلیک

مستقیم به مردم را هم بصورت قانون درآورد، خودش آشکارا اعلام نمود که واقعا چه جنایاتی هر روزه در آن مملکت زیر سایه قانون های من درآوردی و عصر حجری این باصطلاح مقامات اتفاق می افتد و اضافه کرد "... اینجا هم البته شنیده ام بعضی گفته اند قانون نداریم. خوب می شود از همین قوانین موجود استفاده کرد و اگر ندارید هم، سریع قانون تهیه کنید!"

واقعیت این است که طی هفته ها و ماه های اخیر، شروع دور جدید اعتصابات و اعتراضات هماهنگ، همبسته و متشکل کارگران، معلمان و بازنشستگان در هر گوشه و کنار ایران، روند سرنگونی رژیم اسلامی را هم وارد فاز جدیدی کرده است و خامنه ای و کلیت مقامات دزد و آدمکش این حکومت هم بخوبی بدین امر واقفند. مین وضعیت جدید است که آتش در هیمنه نظام نکبت اسلامی انداخته و بواقع بحران و زلزله ای را حتی در میان مخوف ترین و خونخوارترین لایه های امنیتی حکومت موجب شده است!

اینبار بحران در حساس ترین نیروی حکومت یعنی در صف نیروهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت است که آشکارا بیرون زده است. خامنه ای برای باصطلاح تجدید قوا و سازماندهی مجدد نیروهای درمانده اش که در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارند و برای مقابله با مردمی که گام به گام این تضعیف و فروپاشی و عقب نشینی را به این دزدان و جنایتکاران تحمیل کرده اند، راهی جز جابجایی مهره هایش ندارد. این فشار اعتراضات و اعتصابات دوره ی جدید در داخل و بن بست گردنکشی های منطقه ای حکومت است که این جانیان را به دستپاچگی و تغییر مهره های امنیتی و اطلاعاتی

شان واداشته است. باید گفت پس لرزه ها و تبعات این زلزله های امنیتی و اجتماعی، دودمان این باصطلاح مقامات را بر باد خواهد داد. این سرآغاز تغییر و تحولات عمیقتری زیر فشار توده مردم معترض و جان به لب رسیده است که روزبروز عقب نشینی های هرچه بیشتری را به این راهزنان و آدمکشان اسلامی تحمیل می کنند. این جابجایی ها هم میان آدمکش ترین و دزدترین مقامات رژیم، این ساز و کار مملو از جنایت و خونریزی را نجات نخواهد داد. به این دلیل که بر خلاف ادعاهای خامنه ای شرایط امروز ایران بطور واقعی با سال ۶۰ متفاوت است. اساسا به این دلیل که مردم کلیت این نظام منحوس و خون آشام و چپاولگر و فاسد و شیاد را نمی خواهند. به این دلیل که این حکومت بطور کامل از حل این بحران های متعدد و هر روزه داخلی و بین المللی اش عاجز است و در یک بن بست و ورشکستگی مطلق گرفتار شده است.

این اظهارات و تغییر و تحولات در واقع، اعتراف به شکست سیاست های تبلیغاتی و دشمن تراشی های حکومت و همچنین اعتراف به ناکارایی ساز و کار امنیتی حکومت است در مقابل دشمنان خود ساخته اش. این دربروزگی ها و هذیان گویی ها بیش از هر چیز نشانه اثبات هارت و پورت های توخالی حکومت است و اعتراف به اینکه بیش از چهار دهه فریب مردم، ره آوردی جز بن بست و نفرت و بی آبرویی هرچه بیشتر برای این جانیان و دزدان اسلامی نداشته است



# اطلاعیه پایانی

## پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



بخش عمده ای از وقت جلسات دفتر سیاسی صرف گزارشدهی رفقا از فعالیت های کمیته ها و ارگانهای مختلف و نهادهای مورد حمایت حزب شد. در مواردی بخاطر سرعت تحولات در ایران، جلسه دفتر سیاسی اولین فرصتی بود که رهبری اجرایی حزب در جریان موضوعی قرار میگرفت و عکس العمل نشان میداد. دفتر سیاسی در این دوره نیز کماکان در زمینه نظارت بر کار هیئت اجرایی و همچنین ایجاد همنظری و کمک به پخته شدن سیاستهای حزب ایفای نقش کرد. همینطور مباحثی نظیر چه باید کرد حزب، استراتژی حزب در قبال سناریوهای مختلف، تحلیل و تبیین جنگ اوکراین، حزب در داخل کشور، برخورد حزب به مذهب و اسلام سیاسی، پلاتنوم حزب در اول مه امسال و غیره در دفتر سیاسی بحث شده است. دفتر سیاسی در جهت وظیفه سیاستگذاری خود نیز دو سند را برای ضابطه مند و ایزکتیو ادامه در صفحه ۱۲

حقوق کودک، جلب همبستگی با کارگران ایران، فعالیت برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، کمپین موفق مالی، رفتن کانال جدید روی ماهواره سوم و پیشروی های کانال جدید و عرصه های متنوع دیگر علیه جمهوری اسلامی. فعالیت های متنوع سیاسی و میدانی حزب موقعیت حزب را در جامعه جلوتر برده و حزب بیش از پیش شناخته شده است.

اسامی ۳۲ عرصه فعالیت که مسئولان آن بصورت کتبی یا شفاهی به پلنوم گزارش دادند ضمیمه است.

مصطفی صابر رئیس دفتر سیاسی حزب گفت در فاصله بین کنگره دوازدهم و پلنوم پنجاه و پنجم، دفتر سیاسی مجموعاً ۱۵ جلسه برگزار کرده است. حتی نگاهی به تیترو مباحث دفتر سیاسی که در گزارش کتبی ارائه شده به پلنوم آمده نشاندهنده جوش و خروش خیره کننده در جامعه و دخالتگری شورانگیز حزب ماست. در دوره اخیر

جانبه حزبی هستیم که در جامعه تنیده شده و نبضش با مردم معترض و خیزش ها و اعتصابات و اعتراضات میتپد. حزب و جامعه ای هر دو پر کار و هر دو در حال پیشروی. او به فعالیت چشمگیر میدانی حزب و نمونه هایی از نقش و پیشروی حزب اشاره کرد: حضور تنگاتنگ در اعتراضات بازنشستگان و معلمان، کارگران نفت و برخی مراکز کارگری دیگر، حضور در دانشگاهها، در جنبش رهایی زن، در جنبش دادخواهی و زندانیان سیاسی، رنگین کمانی ها، گسترش فعالیت در خوزستان و حضور بیشتر در اعتراضات خیابانی، تحرک قابل توجه حزب در خارج در حمایت و همبستگی با اعتراضات مردم ایران، مقابله با اسلام و اسلام سیاسی از جمله حکم اخراج یکی از آخوندهای وابسته به خامنه ای از مسجد هامبورگ و جلوگیری از پخش اذان در آلمان، پروژه عضوگیری وسیع در ایران، دفاع از حقوق پناهندگی، تقویت همبستگی میان مردم ایران و افغانستان،

میتواند و باید توده بپاخاسته مردم علیه جمهوری اسلامی را متحد کند و سازماندهی و رهبری انقلابی که در شرف تکوین است را بدست بگیرد. او تاکید کرد که حزب این آمادگی را دارد چرا که شعارها و مطالبات مردم معترض، از معیشت منزلت حق مسلم ما است تا آخوند باید گم بشه و از تحصیل و درمان رایگان تا اداره شورائی جزئی از خواستها و اهدافی است که حزب ما از بدو فعالیت خود برای تحقق آنها مبارزه کرده است.

بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات کمیته مرکزی، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از فعالیت حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. او ضمن اشاره به گزارش ۲۶ ارگان و فونکسیون و کارزارها و گزارش ۱۸ صفحه ای کتبی که از قبل برای کمیته مرکزی و مشاورین ارسال شده بود گفت در ششماه گذشته نیز شاهد یک جامعه سرزنده و پرتحرک، و تحرک همه

پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب در روزهای ۳ تا ۵ تیر ۱۴۰۱ (۲۴ تا ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲) با حضور اکثریت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، به یاد ایرج فرجاد عزیز که متأسفانه در این فاصله او را از دست دادیم و به یاد منصور حکمت عزیز شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود با اشاره به خیزش توده ای و اعتراضات و اعتصابات جاری در جامعه و ضرورت عروج رهبری انقلابی، بر نقش ویژه حزب کمونیست کارگری در این شرایط تاکید کرد. او اعلام کرد حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه و سیاستها و عملکرد چند ده ساله اش نیروئی است که



ادامه از صفحه ۱۱

استانهای مختلف کشور نیز از حزب قطعنامه‌ای در مورد: بهرام سروش، شیرین شمس، مالی، کیا صبری صندوقدار کردن پرداخت کمک هزینه ها جمله اقدامات این دوره سازمان "ملزومات عروج حزب برای مصطفی صابر، حسن صالحی، مرکزی حزب، کیان آذر از کمیته تصویب کرد. کسب رهبری جنبش سرنگونی اصغر کریمی، خلیل کیوان، کانال جدید، سیاوش مدرسی از کیان آذر در سخنرانی خود به فعالیتهای ششماه گذشته سازمان جوانان کمونیست پرداخت و به ساماندهی اعضا و فعالین سازمان جوانان در داخل و خارج کشور جوانان فعالیتهای مختلف با توجه به روند مبارزاتی در جامعه مانند سازمان پیدا کردن در محله و شهر و حضور سازمانیافته در تجمعات اعتراضی، تظاهرات و فعالیتهای میدانی در سطح شهر و نیز تهیه و ارسال گزارشات و پیامها از شهرها و استانهای مختلف کشور اشاره کرد که این اقدام در شرایط اعتراضی نظیر اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ منبغی غنی برای شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های تلویزیونی فراهم کرد. بازگشایی حضوری دانشگاهها بار دیگر امکان ابراز وجود توده ای دانشجویان و ایفای نقش به عنوان یک جنبش مهم سیاسی در فضای جامعه را فراهم کرد و فعالیتهای بخش دانشجویی سازمان جوانان هم به صورت فشرده تر و متمرکزتر در دانشگاهها به پیش برده شد. سازمان جوانان همچنین نقش فعالی در جهت دادن به فعالین رنگین کمانی برای دخالت در مناسبتها و رویدادهای مهم سیاسی جامعه داشت. سازماندهی تیم های شعارنویسی و پخش و نصب تراکت در

استانهای مختلف کشور نیز از حزب قطعنامه‌ای در مورد: بهرام سروش، شیرین شمس، مالی، کیا صبری صندوقدار کردن پرداخت کمک هزینه ها جمله اقدامات این دوره سازمان "ملزومات عروج حزب برای مصطفی صابر، حسن صالحی، مرکزی حزب، کیان آذر از کمیته تصویب کرد. کسب رهبری جنبش سرنگونی اصغر کریمی، خلیل کیوان، کانال جدید، سیاوش مدرسی از کیان آذر در سخنرانی خود به فعالیتهای ششماه گذشته سازمان جوانان کمونیست پرداخت و به ساماندهی اعضا و فعالین سازمان جوانان در داخل و خارج کشور جوانان فعالیتهای مختلف با توجه به روند مبارزاتی در جامعه مانند سازمان پیدا کردن در محله و شهر و حضور سازمانیافته در تجمعات اعتراضی، تظاهرات و فعالیتهای میدانی در سطح شهر و نیز تهیه و ارسال گزارشات و پیامها از شهرها و استانهای مختلف کشور اشاره کرد که این اقدام در شرایط اعتراضی نظیر اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ منبغی غنی برای شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های تلویزیونی فراهم کرد. بازگشایی حضوری دانشگاهها بار دیگر امکان ابراز وجود توده ای دانشجویان و ایفای نقش به عنوان یک جنبش مهم سیاسی در فضای جامعه را فراهم کرد و فعالیتهای بخش دانشجویی سازمان جوانان هم به صورت فشرده تر و متمرکزتر در دانشگاهها به پیش برده شد. سازمان جوانان همچنین نقش فعالی در جهت دادن به فعالین رنگین کمانی برای دخالت در مناسبتها و رویدادهای مهم سیاسی جامعه داشت. سازماندهی تیم های شعارنویسی و پخش و نصب تراکت در

استانهای مختلف کشور نیز از حزب قطعنامه‌ای در مورد: بهرام سروش، شیرین شمس، مالی، کیا صبری صندوقدار کردن پرداخت کمک هزینه ها جمله اقدامات این دوره سازمان "ملزومات عروج حزب برای مصطفی صابر، حسن صالحی، مرکزی حزب، کیان آذر از کمیته تصویب کرد. کسب رهبری جنبش سرنگونی اصغر کریمی، خلیل کیوان، کانال جدید، سیاوش مدرسی از کیان آذر در سخنرانی خود به فعالیتهای ششماه گذشته سازمان جوانان کمونیست پرداخت و به ساماندهی اعضا و فعالین سازمان جوانان در داخل و خارج کشور جوانان فعالیتهای مختلف با توجه به روند مبارزاتی در جامعه مانند سازمان پیدا کردن در محله و شهر و حضور سازمانیافته در تجمعات اعتراضی، تظاهرات و فعالیتهای میدانی در سطح شهر و نیز تهیه و ارسال گزارشات و پیامها از شهرها و استانهای مختلف کشور اشاره کرد که این اقدام در شرایط اعتراضی نظیر اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ منبغی غنی برای شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های تلویزیونی فراهم کرد. بازگشایی حضوری دانشگاهها بار دیگر امکان ابراز وجود توده ای دانشجویان و ایفای نقش به عنوان یک جنبش مهم سیاسی در فضای جامعه را فراهم کرد و فعالیتهای بخش دانشجویی سازمان جوانان هم به صورت فشرده تر و متمرکزتر در دانشگاهها به پیش برده شد. سازمان جوانان همچنین نقش فعالی در جهت دادن به فعالین رنگین کمانی برای دخالت در مناسبتها و رویدادهای مهم سیاسی جامعه داشت. سازماندهی تیم های شعارنویسی و پخش و نصب تراکت در

استانهای مختلف کشور نیز از حزب قطعنامه‌ای در مورد: بهرام سروش، شیرین شمس، مالی، کیا صبری صندوقدار کردن پرداخت کمک هزینه ها جمله اقدامات این دوره سازمان "ملزومات عروج حزب برای مصطفی صابر، حسن صالحی، مرکزی حزب، کیان آذر از کمیته تصویب کرد. کسب رهبری جنبش سرنگونی اصغر کریمی، خلیل کیوان، کانال جدید، سیاوش مدرسی از کیان آذر در سخنرانی خود به فعالیتهای ششماه گذشته سازمان جوانان کمونیست پرداخت و به ساماندهی اعضا و فعالین سازمان جوانان در داخل و خارج کشور جوانان فعالیتهای مختلف با توجه به روند مبارزاتی در جامعه مانند سازمان پیدا کردن در محله و شهر و حضور سازمانیافته در تجمعات اعتراضی، تظاهرات و فعالیتهای میدانی در سطح شهر و نیز تهیه و ارسال گزارشات و پیامها از شهرها و استانهای مختلف کشور اشاره کرد که این اقدام در شرایط اعتراضی نظیر اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ منبغی غنی برای شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های تلویزیونی فراهم کرد. بازگشایی حضوری دانشگاهها بار دیگر امکان ابراز وجود توده ای دانشجویان و ایفای نقش به عنوان یک جنبش مهم سیاسی در فضای جامعه را فراهم کرد و فعالیتهای بخش دانشجویی سازمان جوانان هم به صورت فشرده تر و متمرکزتر در دانشگاهها به پیش برده شد. سازمان جوانان همچنین نقش فعالی در جهت دادن به فعالین رنگین کمانی برای دخالت در مناسبتها و رویدادهای مهم سیاسی جامعه داشت. سازماندهی تیم های شعارنویسی و پخش و نصب تراکت در

### یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایته و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

**کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بی شمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.**



## ادامه تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز

### ۱۱ تیر تجمعات سراسری

روز هشت تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز در ادامه اعتراضات پی در پی خود که از نیمه خرداد ماه آغاز شده مقابل تامین اجتماعی این شهر تجمع کردند و صدای اعتراض خود را به مصوبه هیات وزیران مبنی بر تصمیم به افزایش صرفاً ده درصدی حقوقها و عدم پاسخگویی به خواستههایشان بلند کردند. در این روز نیز بازنشستگان در ادامه تجمع خود، در خیابانهای این شهر راهپیمایی کرده و صدای رسای شعارهای اعتراضی آنها بر فضای خیابانهای شهر طنین انداخته بود. بازنشستگان در بنرهایی که در دست داشتند از جمله نوشته بودند "خط فقر ۱۸ میلیون حقوق ما دو میلیون" و "نه به حقوق زیر هجده میلیون".

بدین ترتیب بازنشستگان نه فقط به مصوبه افزایش تحقیر امیز ده درصدی توسط هیات وزیران که قانون مصوب خودشان را هم زیر پا گذاشته اند معترضند، بلکه تاکیدشان اینست که حقوقها نباید زیر خط فقر باشد و اگر خط فقر ۱۸ میلیون است باید حقوق و دریافتی آنها بالای این رقم باشد. بازنشستگان بارها بر خواستههایی چون درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن نیز تاکید کرده اند. پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها از دیگر مطالبات مهم بازنشستگان است. در تجمع روز هشتم تیر در اهواز بازنشستگان شعار میدادند: "نگ ما، نگ ما، مخیر الدنگ ما"، "گرانی، تورم، بلای جان

مردم"، "دولت حیاکن بدهیتو ادا کن"، و "کجای این، عدالته .. دستش توجیب ملته".

بنا بر گزارشات دولت بزرگترین بدهکار به صندوق بازنشستگی است و هم اکنون حدود ۴۰۰ میلیارد تومان به این صندوق بدهکار است و یک خواست بازنشستگان پرداخت فوری این دیون و پایان دادن به اختلاسها و دزدی هاست.

همانطور که قبلاً گزارش کردیم بازنشستگان تامین اجتماعی برای روز یازده تیر نیز برای پیگیری مطالباتشان به تجمعات سراسری فراخوان داده اند. این تجمعات در تهران مقابل وزارت کار، مراکز استانها جلوی استانداری ها و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار خواهند شد.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۸ تیر ۱۴۰۱، ۲۹ ژوئن

۲۰۲۲

## اخبار نفت

### اعتراضات در نفت: کارگران رسمی، کارگران داربست بند و کارگران اورهال

اعتراضات در بخش های مختلف نفت گسترش می یابد. ساعت ده صبح امروز هشتم تیر ماه جمعی از کارگران رسمی نفت بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده برای پیگیری برخی مطالبات معیشتی خود مقابل وزارت نفت تجمع کردند. یک خواست برجسته فراخوان کارگران رسمی نفت به رسمیت شناخته شدن حق ایجاد تشکل است. طرح خواست برسمیت شناختن حق ایجاد تشکل کارگری یک خواست مهم است

و تلاش کارگران برای متشکل شدن را بازتاب میدهد. در عین حال یک اعتراض کارگران رسمی نفت به دزدی ها و اختلاس ها است و در فراخوان اعتراضی خود بر کوتاه کردن دست سایر نهادها از صندوق بزنشستگی نفت و شفافیت عملکرد مالی صندوق بازنشستگی تاکید کرده اند. این کارگران همچنین خواستار ارتقای خدمات بهداشتی و درمان صنعت نفت و دیگر خدمات رفاهی برای کارکنان شده اند. افزایش عمومی سالانه ده درصدی حقوقها که هیچ تناسبی با نرخ تورم ندارد، موضوع دیگر اعتراض کارگران صنعت نفت است و خواستار ابطال این مصوبه شده اند. کارگران رسمی نفت بعلاوه در فراخوان اعتراضی خود بر این خواستها تاکید میکنند: "اجرای کامل ماده ده قانون و وظایف و اختیارات وزارت نفت و محاسبه پرداختی ها از زمان تصویب این قانون، ارتقای پایه سمت های سازمانی، اصلاح ساختار افزایش سالانه عمومی و پایان دادن به پارتی بازی های فامیلی، عدم ورود نیروهای مامور از سایر سازمانها به مراکز نفتی، بازگرداندن اضافه مالیات دریافتی از کارکنان، پرداخت کامل پاداش پایان خدمت به بازنشستگان. یک تاکید کارگران رسمی نفت در فراخوان خود بر پیگیری مطالباتشان تا حصول نتیجه بود.

همچنین اعتصاب کارگران داربست بند نفت با مطالبه افزایش حقوقها و اینکه مزد هیچ داربست بندی نباید از ۲۵ میلیون کمتر باشد و ۲۰ روز کار و ده روز استراحت ادامه دارد و دامنه اش به یازده مجتمع پتروشیمی کشیده شده است. در پالایشگاه تهران نیز کارگران اورهال در اعتراض به اضافه

کاری های اجباری و سطح نازل حقوقهایشان از روز ۶ تیر در اعتصاب هستند. به علاوه کارکنان رسمی وزارت نفت با خواستههای معیشتی خود برای ساعت ده صبح روز دهم تیر ماه فراخوان به تجمع سراسری در مقابل وزارت نفت را داده اند.

بدین ترتیب بخش های مختلف کارگران نفت با اعتراضاتشان دارند به میدان می آیند. کارگران نفت این بخش شاغل در یک بخش کلیدی اقتصادی جامعه با قدرت مبارزاتشان و با جلو آوردن مطالباتی چون افزایش حقوقها به بالای ۲۵ میلیون، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها و به رسمیت شناخته شدن حق تشکل مستقیماً بر توازن قوای مبارزاتی بنفع جنبش کارگری و اعتراضات مردمی تاثیر گذارند. گسترش مبارزات بخش های مختلف نفت گام مهمی در گسترش اعتصابات سراسری کارگری و اعتصابات عمومی در سطح جامعه است. از این مبارزات باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۸ تیر ۱۴۰۱، ۲۸ ژوئن

۲۰۲۲

### نامه سرگشاده اعتراضی ده خانواده ها در مورد پرونده سازی های امنیتی

به تاریخ هفتم تیر ماه نامه ای سرگشاده از سوی خانواده های جعفر ابراهیمی، آئینشا اسداللهی، رسول بدقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، و مسعود نیکخواه در اعتراض به ادامه بازداشت عزیزانشان منتشر شده است. دادخواهی این

خانواده ها مربوط به شماری از فعالین معلم، کارگری و فعالین اجتماعی است که در جریان یک پرونده سازی مسخره بدنبال بازداشت دو فعال کارگری تبعه فرانسه به اسامی ژاک پاری و سیسل کولر بازداشت و با اتهامات امنیتی و نخ نمایی چون "همکاری با دسیسه جاسوسی" دو ماه است که در زندانند. حکومت طی این مدت این افراد را زیر شدیدترین بازجویی ها قرار داده است. آنها را ممنوع الملاقات کرده اند. خانواده ها را تهدید کرده اند که اگر سکوت نکنند ماجرا پیچیده تر خواهد شد و با تمدید مدت بازداشتها بازجویی ها ادامه دارد. یک تلاش رژیم وادار کردن دستگیر شدگان به اعترافات اجباری است. در همین رابطه دستگیر شدگان با اعتصاب غذا و با رساندن صدای اعتراض خود به بیرون از زندان اعلام کرده اند که زیر بار این تهدیدات نمیروند آنها جرمی نکرده اند و دیداری ساده با دو فعال کارگری اروپایی جرم نیست. از جمله هم اکنون رضا شهابی و حسن سعیدی در اعتصاب غذا بسر میبرند.

در بخشی از نامه سرگشاده خانواده های این بازداشت شدگان چنین آمده است: "نزدیک به دو ماه، اعضای خانواده ما را در بازداشت موقت نگاه داشته و با انفرادی و بازجویی های مکرر تحت فشار قرار داده اند. در کجای دنیا چند معلم و کارگر زحمتکش و خوشنام را که هیچ جنایتی نکرده اند، در خیابان جوانان مردم را با گلوله نکشته اند، حق دیگران از زندگی را نذر دیده اند، اختلاس نکرده اند، مال مردم را نخورده اند، سرمایه های عمومی را بالا نکشیده اند و خانه مردم را روی سرشان ویران نکرده اند، اینگونه آزار می دهند؟ جرم ادامه در صفحه ۱۴

ادامه از صفحه ۱۳

پاره‌های تن ما جز انسان‌دوستی و دفاع از ابتدایی‌ترین حقوق کارگران و فرهنگیان چیست؟ چرا عزیزان ما که به حق طلبی و دیگرخواهی زبازد عام و خاص‌اند، باید طی سال‌های متمادی اینچنین آزار ببینند، زندانی شوند، با انفرادی شکنجه ببینند و هدف پرونده‌سازی‌های دروغین نهادهای اطلاعاتی و نمایش‌های شرم‌آور و غیرقانونی صدا و سیما قرار بگیرند؟"

در بخش پایانی این نامه چنین آمده است: "ما به عنوان اعضای خانواده بازداشت شدگان اخیر، خواستار توقف فوری پرونده‌سازی‌های دروغین علیه عزیزانمان و پایان یافتن بازجویی‌های مکرر و موهن و تهدیدآمیز آن‌ها هستیم. هیچ توجیهی برای برای تداوم بازداشت آنها وجود ندارد. تهدیدها و توهین‌های مقامات زندان و بازجوها در برخورد با بازداشتی‌ها و اعضای خانواده‌شان، مصداق بارز آزار و شکنجه است و باید فوراً خاتمه بیابد. از تمام همکاران و همراهان و نهادهای مدافع حقوق کارگران و معلمان در ایران و جهان تقاضا داریم تا

ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی این عزیزان، از مقامات جمهوری اسلامی و مسئولان قضایی بخواهند تا فوراً آنان را آزاد کنند و بیش از این آن‌ها و ما را عذاب ندهند."

حزب کمونیست کارگری در کنار این خانواده‌ها بر آزادی فوری و بدون قید و شرط عزیزان بازداشت شده، معلمان دربند و کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. با قدرت اعتراضاتمان در زندانها را بگشاییم.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۸ تیر ۱۴۰۱، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۲

### اخبار نفت

## گسترش اعتصاب داربند بست های نفت به هجده پیمانکاری

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعتصاب کارگران داربند بست (اسکافلڈینگ) که روز اول تیر ماه آغاز شد دامنه اش به بیش از ۱۸ شرکت پتروشیمی کشیده شده است. اعتراض این کارگران

به سطح نازل حقوقها و بالا رفتن هر روز بیشتر قیمت کالاها است. کارگران خواهان افزایش حقوقها به میزانی هستند که حقوق هیچ داربست بندی کمتر از ۲۵ میلیون تومان نباشد و بیست روز کار و ده روز استراحت عملی شود. اینها دو خواست محوری آنهاست.

لیست تا کنونی شرکت های پیمانی اعتصابی عبارتند از: پتروشیمی صدف، پتروشیمی آبدانا، پتروشیمی دماوند، پتروشیمی کیان، سایت یک و دو پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی آراین، پتروشیمی مرجان پتروپالایش کنگان، پتروشیمی هنگام، پتروشیمی آبادان که پیمانکاری های زیر را در بر میگیرند: پیمانکاری حاجی پور، شرکت رستاک پویا، شرکت فراسکو، پیمانکاری شهبازی، پیمانکاری مطوری، شرکت ایده سازان، شرکت پایندان و شرکت اکسیر، شرکت پیمانکاری تناوب، پیمانکاری رشیدی، پیمانکاری همتی و پیمانکاری موسوی، اکسیر فاز ۱۴ عسلویه، آی جی سی فاز ۱۴ پارس جنوبی، و شرکت آبادراهن در فاز دو پالایشگاه آبادان.

بنا بر خبرها کارگران پیمانی

در ایزه برای عصر امروز یکشنبه پنجم تیرماه در تدارک برگزاری مجمع عمومی خود به منظور تصمیم گیری جمعی و ادامه متحدانه اعتراضاتشان هستند.

بنا بر گزارش شورای سازماندهی در حالیکه در برخی مراکز پیمانکاران مفتخور با قلدری کارگران را تهدید به اخراج کرده و گفته اند خبری از افزایش مزد نیست و اگر نمی خواهید کار را ترک و تسویه کنید، کارگران داربند بست نفت محکم و استوار ایستاده اند و در جایی مثل پتروشیمی کیان زیر فشار اعتراض کارگران وعده داده شد که مطابق درخواست کارگران مزد آنها به بیست و پنج میلیون افزایش خواهد یافت. این عقب نشینی نشان دهنده قدرت کارگران و امکان پذیری تحمیل خواستهاست.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی بعنوان راهکار اصلی و مهم ادامه قدرتمند اعتصابات و مقابله با تهدیدات پیمانکاران به اخراج و با هر گونه تلاشی برای ایجاد تفرقه در صف کارگران تاکید کرده و مینویسد: "شورای سازماندهی بر تشکیل مجمع

عمومی در هر محل و تصمیم گیری جمعی و انتخاب نمایندگان واقعی خود جهت نشست و مذاکره بر سر خواستههای سراسری اعلام شده کارگران تاکید دارد. بیست روز کار و ده روز استراحت و اینکه حداقل مزد کارگران داربست بند نباید کمتر از ۲۵ میلیون باشد دو مطالبه اصلی است که همه همکاران داربست بند بخاطرش اعلام اعتصاب کرده اند. بر محور همین خواستهها باید متحد عمل کرد و متحد ماند. و اینها خواستههای همه کارگران پروژه ای پیمانی است. شورای سازماندهی همه این کارگران را به حمایت گسترده از اعتصاب همکاران داربست بند فرا میخواند."

حزب کمونیست کارگری با پشتیبانی از تاکیدات شورای سازماندهی حمایت همه جانبه خود را از مبارزات کارگران داربست بند در نفت اعلام میکند و کارگران پروژه ای نفت را به پیوستن به این اعتراضات فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ تیر ۱۴۰۱، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲  
.....

## رنگین کمانی های نروژ قربانی تروریسم اسلامی شدند

ساعت یک و بیست دقیقه شب شنبه ۲۵ ژوئن اسلو پایتخت نروژ شاهد جنایت تازه ای از سوی تروریستهای اسلامی بود. این جنایت با حمله یک تروریست اسلامی به یک کلوپ شبانه که محل اجتماع اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی کیوبود در آستانه برگزاری رژه سالانه رنگین کمانی های نروژ به قوع پیوست. فرد مهاجم یک

اسلامی با سوء پیشینه و عضو یک گروه افراطی اسلامی معرفی شده است. عامل انجام این جنایت با شعار الله اکبر و با اسلحه گرم به انسان های بی دفاع حمله ور شد. در جریان این حمله تروریستی جنایتکارانه دو نفر کشته و ۲۱ نفر مجروح شده اند که حال تعدادی از آنها وخیم گزارش شده است.

حزب کمونیست کارگری این جنایت وحشیانه علیه رنگین کمانی های نروژ را شدیداً محکوم می کند. عامل این جنایت یک تروریست

ایرانی تبار است که گفته می شود با رژیم اسلامی ایران نیز در ارتباط بوده است. دشمنی و ضدیت جریانات ارتجاعی اسلامی با شهروندان رنگین کمانی بر کسی پوشیده نیست. در ایران تحت حاکمیت اسلامی این بخش از مردم مورد ستم و جنایتی گسترده قرار دارند و رنگین کمانی بودن با مجازات های سنگین تا حد مرگ پاسخ می گیرد. نفرت پراکنی ضد انسانی و جنایتکارانه اسلامی توسط آیت الله ها و مرتجعین اسلامی که شبانه روز علیه رنگین کمانی ها، علیه زنان و

علیه هر نوع آزادی و یا نرم زندگی در غرب صورت می گیرد عامل مستقیم و اصلی پرورش تروریست ها و قاتلین صدها نفر از مردم در جوامع غربی بوده است.

اقدام تروریستی اسلامی در اسلو پایتخت نروژ و کشته و زخمی شدن شماری از مردم بی دفاع زنگ خطر دیگری برای همه ماست که مبارزه با اسلامی سیاسی را باید با جدیت به پیش برد و هر گونه سازش و مماشات دولتهای غربی با این جریانات چه در قالب دولت

های اسلامی و یا انجمنها و گروهها و مراکز اسلامی باید فوراً خاتمه یابد. مبارزه قاطع و بدون تخفیف با اسلامی سیاسی و حکومتهای اسلامی در سطح جهان و بایکوت جمهوری اسلامی یک شرط مهم تامین امنیت برای شهروندان جهان است.

کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ تیر ۱۴۰۱-۲۶ ژوئن ۲۰۲۲